



پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران

شماره ۱۱۳ / سال دهم / مرداد ماه ۱۴۰۱ / نشریه سندیکاهای کارگری ایران



industri
global union

همبستگی کنفدراسیون جهانی اینداستریال با کارگران فولاد اهواز



ماهنامه نشریه پیام سندیکا، پیام آور سندیکاهای کارگری ایران شماره ۱۱۳ / سال دهم / مرداد ۱۴۰۱ در ایران بصورت چاپی و الکترونیکی منتشر شد.



در این شماره می خوانید:

اطلاعه های سندیکاهای کارگری ص ۱

اخبار پروژه ها ص ۴

تلاش برای حاکم کردن مقررات کمپین ۲۰/۱۰ ص ۱۹

پیروزی ها و سکوت دولت! ص ۲۰

نامه نگاری بازنستگان رامهریزی! ص ۲۱

سرمایه داری مالی و نقش آن در صنایع نفت و گاز! ص ۲۳

بی مسولیتی حاکمان! ص ۲۶

به دنبال نان! ص ۲۷

قربانی کودک همسری که سه بار طلاق گرفته ص ۲۹

زبان باری را پاس بداریم ص ۳۲

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی ص ۳۳

دریاره تلسکوپ جیمز وب چه می دانیم؟ ص ۳۶

آنجایی که می خواهند به زور مردم را... ص ۳۷

جامعه شناسی ص ۳۸

یادداشتی درباره ی وضعیت بی شانسنامه ها ص ۳۹

صندوق بین المللی پول نابود کننده اقتصاد ملت ها ص ۴۱

باب منکر جهنم شد! ص ۴۴

کوشه کوچکی از نئولیبرالیسم، در واقعیت ص ۴۵

اعتصاب اخیر کارگران راه آهن بریتانیا ص ۴۶

سه مرحله از تصمیم گیری و حل مسئله در زندگی ص ۴۹

بندبازی ص ۵۰

حکایت فوق العاده زیبا از کشور سوئد ص ۵۱

پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

برای اطلاع از دیدگاههای ما می توانید به سایت دو زبانه سندیکای

کارگران فلز کارمکانیک ایران به آدرس sfelezkar.com و کانال رسمی

سندیکا در تلگرام به آدرس

=کانال رسمی سندیکای کارگران فلز کار مکانیک ایران

مراجعة کنید

همبستگی کنفدراسیون جهانی اینداستریال (IndustriALL) با کارگران فولاد اهواز در ایران

خواهران و برادران عزیز،

من این نامه را به عنوان دبیر کل کنفدراسیون جهانی اینداستریال و به نمایندگی از طرف بیش از پنجاه میلیون کارگر در صنایع معدن، انرژی و تولیدی در ۱۴۱ کشور، برای شما می نویسم تا حمایت و همبستگی کامل خود را با کارگران گروه ملی صنعتی فولاد اهواز اعلام کنیم. کنفدراسیون جهانی اینداستریال از شرکت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز می خواهد تا به مطالبات کارگران رسیدگی کند. این یک امر ضروری است که این کارخانه، کار تولید را از سر بگیرد، طرح طبقه بندی مشاغل را اجرا کند، اضافه دستمزد تایید شده در ازای انجام کار طاقت فرسا را پرداخت نماید، کارت های ایاب و ذهاب را دوباره برقرار کرده و اضافه کاری ۲۰ ساعتی کارگران معترض را بازگرداند. با این همه، مدیریت گروه ملی صنعتی فولاد اهواز به جای حل و فصل مسائل مشروع کارگران، دست به اقدامات ضد صنفی از جمله ممنوعیت ورود هفت کارگر معترض به ساختمان این شرکت و لغو حق اضافه کاری برای همه کارگران معترض شده است. بنابراین، کنفدراسیون جهانی اینداستریال از شرکت گروه ملی صنعتی فولاد (فولاد اهواز) می خواهد تا برای یافتن راه‌حلی منصفانه و عادلانه، با کارگران و نمایندگان اتحادیه‌های کارگری این کارخانه برای رسیدگی به خواسته‌های آنان، مذاکراتی همراه با حسن نیت داشته باشد.

کنفدراسیون جهانی اینداستریال (IndustriALL) درکنار و متحد با کارگران فولاد اهواز در تلاش آنها برای دستیابی به رعایت کامل حقوق اساسی کار و شرایط کاری مناسب، ایستاده است.

با همبستگی، آتل هوی دبیرکل

بازداشت ها را متوقف کنید، چاره کار دادن حق معترضین است!

در روزهای اخیر بازداشت و احضار کارگران، کنشگران بازنشستگی تامین اجتماعی، آموزگاران و کوشندگان مدنی فزونی گرفته است. این بازداشت ها همانطوری که قبلاً هم متذکر شده بودیم چاره کار نیست و جنبش اعتراضی را متوقف نمی کند. دستگیری ۲۷ تن از کارگران مس سونگون ورزقان در طی دو روز فعلی، احضار و تهدید بازنشستگانی که به مصوبه غیرقانونی هیات دولت اعتراض دارند، بازداشت سینماگران و زنانی که به فشارهای موجود معترض هستند چاره کار نیست.

آیا با زندانی کردن سپیده قلیان، عالیله اقدام دوست، خانه نشینی اسماعیل بخشی، پرونده سازی برای بیش از ۲۰۰ بازنشسته، در زندان نگاه داشتن اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد و کانون صنفی معلمان که منجر به اعتصاب غذایشان شده است، اعتراض ها خاموشی گرفته است؟ ۴۲ سال است نه تنها به خواسته های مردم پاسخ مناسب داده نشده است بلکه پشت کردن به قانون از سوی قوه مجریه خشم مردم را فزونی بخشیده است. بی تردید حق گرفتن است و این جنبش را سر باز ایستادن نخواهد بود.

ما ضمن حمایت از خواسته های کارگران مس سونگون ورزقان، سندیکالیست های اعتصابی، بازنشستگان تامین اجتماعی، کانون صنفی معلمان خواستار آزادی هرچه سریعتر این عزیزانمان هستیم.

**سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران / بازنشستگان
سندیکای بافنده سوزنی / بازنشستگان صنعت چاپ /
بازنشستگان شهاب خودرو / بازنشستگان مستقل قزوین
۲۲ تیرماه ۱۴۰۱**

از خواسته های کارگران معدن مس سونگون ورزقان حمایت می کنیم!

تجمع و درگیری از روز ۱۴ تیرماه با اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر شرکت های پیمانکاری آهن آجین، مبین، نوآوران، زحل و ندای رهاوی آغاز شده و تاکنون ادامه دارد. کارگران خواستار همسان سازی حقوق خود با کارگران رسمی و همچنین اجرای طبقه بندی مشاغل هستند. این اعتراضات از سال گذشته تاکنون ادامه داشته و با برپایی چادر و تحصن کارگران و بستن جاده به مرحله جدیدی رسید، که با یورش ماموران گارد ویژه در سومین روز اعتصاب، این تحصن خاتمه یافته اما اعتراضات همچنان ادامه دارد. کارگران به خواسته های قبلی خود آزادی کارگران بازداشتی را نیز اضافه کرده اند. کارگران که با قطع آب و غذا روبرو شدند با بستن راههای خروج کنسانتره از معدن اجازه فعالیت مالی به شرکت را ندادند. تاکنون ۷ نفر از نمایندگان کارگران دستگیر شده اند. ولی اله محمودی نماینده کارگران شرکت آجین، ارشد کاظم پور، جعفر عباسپور، مهرداد منفرد، خدایی، اسماعیل ایزدخواه، سعید جباریان که فقط سعید جباریان آزاد شده است.

مجتمع مس سونگون ورزقان از بزرگترین معادن کشور ایران است که ارزش ذخایر آن ۳۲۰ میلیارد دلار برآورده شده است. در این مجتمع معدنی ۵ هزار نفر مشغول کار هستند که کنسانتره مس تولید می کنند؛ هر تن کنسانتره حداقل ۱ هزار و ۷۰۰ دلار ارزش دارد. ایران دارای سه معدن اصلی مس شامل معادن سرچشمه، میدوک و سونگون به مالکیت شرکت ملی صنایع مس ایران است.

آنچه مسلم است با روی کار آمدن دولت جدید و نادیده گرفتن قانون، پیمانکاران هم به تاسی از آنان قوانین را زیر پا نهاده کارگرانی را که با سوابق بیش از ۱۰ سال برایشان کار می کنند و کارشان حالت مستمر دارد و در حقیقت رسمی به حساب می آیند را از حقوق قانونی خود از جمله همسان سازی حقوق با دیگر کارگران و اجرای طبقه بندی محروم کرده اند. این در حالی است که توقف کار معدن به درآمدهای دولت هم ضرر رسانده و پیمانکاران بی وطن برای نابودی صنایع تلاش می کنند و دولت به جای آنکه از منافع بودجه ای خود دفاع کند با گسیل پلیس هم به منافع کارگران و هم کشور پشت کرده است. ما خواهان آزادی برادرانمان از زندان اهر آذربایجان شرقی بوده و اجرای بی کم و کاست خواسته های قانونی کارگران را داریم و از هیچ کوششی برای کمک به آنان دریغ نخواهیم ورزید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۱۹ تیرماه

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



مقایسه عملکرد مدیریت و کارگران در ذوب آهن!



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، مقایسه عملکرد مدیریت و کارگران ذوب آهنی نشان دهنده سطح بهره وری هر کدام در ذوب آهن فقط طی یکماه تیرماه است. به این فعالیت ها نظری بیندازیم و قضاوت کنیم.

الف) عملکرد کارگران

۱- لوکوموتیو آلمانی شماره ۰۲ پس از تعمیرات و بازسازی توسط کارگران به ناوگان ریلی ذوب آهن پیوست ۲- مالتی پلکسر الکترونیکی دستگاه ادی کارنت در واحد تستر سنتر خط تولید ریل نورد ۶۵۰ توسط کارگران بومی سازی شد ۳- تعمیرات واحد B نیروگاه توازن ذوب آهن. با این تعمیر تولید لحظه ای از

حدود ۳۷ مگاوات به ۴۷ مگاوات افزایش یافت ۴-تعمیر اساسی دستگاه کپه کن (اشتابل) شماره ۳ واحد بهره برداری مدیریت الگومراسیون توسط کارگران انجام شد. تمامی موارد گفته شده باعث صرفه جویی های نجومی در ذوب آهن گردیده است

(ب) عملکرد مدیریت

شیر توزیعی بین کارگران از کیفیت و سلامت برخوردار نیست

ایران خودرو و تولید هر ۳۰ ثانیه ای یک خودرو!



ایران خودرو

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، قائم مقام توسعه و تولید ایران خودرو گفت: «در هر ۳۰ ثانیه حدود ۲ هزار و ۵۰۰ قطعه به هم متصل و تبدیل به یک خودرو می‌شوند» اینکه این خودروهای تولیدی چه مقدار کیفیت دارند بر می‌گردد به شخصیت مدیریتی این مجموعه. اما در مورد مسایل و مشکلات رفاهی کارگران هم اینگونه عمل می‌شود؟ چرا بعد از ۲۰ سال مدیریت ایران خودرو نمی‌تواند کارگر سخت و زیان آورش را سر موعد بازنشسته کند و یکسال این بازنشستگی طول می‌کشد؟ چرا ۴ درصد حق بیمه سخت و زیان آور کارگر ایران خودرویی همان سال به بیمه پرداخت نمی‌شود؟ چرا لباس کار و کفش ایمنی و عینک همیشه دیر به دست پرسنل می‌رسد؟ چرا کمیت‌های سخت و زیان آور شرکت، کارگران شرکت را سرگردان آرای خود کرده و آنان را به عنوان سخت و زیان آور اعلام نمی‌کنند؟ چرا غذاها بعد از مدتی کیفیت خود را از دست می‌دهد؟

جناب ۳۰ ثانیه تولید خودرو بی کیفیت همچون خودت، افتخاری نیست

اخبار پروژه های نفت و گاز



۱- مراقب پیمانکاران متقلب باشیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، این روزها آگهی کاری در گروه‌های پروژه ای منتشر می‌گردد. که برای روشن شدن ذهن کارگران آگهی کار را می‌گذاریم: «پیمانکاری منصورزاده با شماره تلفن ۰۹۱۳۳۲۰۸۸۹۴ کارگر می‌خواهد برای اصفهان با شرایط:» ۱۱ سال کار در بیمارستان و هتل و برج، بیمه دارد، نهار و شام دارد، خانه دارد، اضافه کاری هر یک ساعت معادل یک ساعت ۲۰ دقیقه، دو روز و نیم مرخصی با حقوق، پنج شنبه‌ها تا ظهر کار و بعد از ظهر تعطیل با حقوق، جمعه‌ها تعطیل با حقوق، روزهای تعطیل رسمی تا حقوق، پشت کارتی دارد، حقوق اداره کار که با تلاش نیرو و تشویقی بالاتر خواهد رفت» این آگهی کلاهبرداری است و هیچکدام از شرایطی که نوشته شده حقیقت ندارد. غذا فقط نهار میدهند که اگر جلوی مرغ ریخته شود نخواهد خورد. پول شام و صبحانه (همون غذای مرغ) را از حقوق شما کم می‌کنند. خوابگاه طویله ای بیش نیست. کفش و لباس کار دست دوم می‌دهند و در آخر کار هزینه اش را از شما کم می‌کنند. حقوق طبق وزارت کار است یعنی حقوق کارگر ساده را به کارگر متخصص می‌دهند. روزهای کاری هم ۲۸ روز در ماه هست پرداخت حقوق با یکماه تاخیر به دست کارگر می‌رسد. گول اینگونه پیمانکاران را نخورید

و حتمن قبل از رفتن به سرکار، از کارگران دیگر در مورد پیمانکار استعلام بگیرید.

۲- هشدار به داربست بندان جوان و بی تجربه!!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شخصی بنام درویشی پیشنهاد کار داربست بندی مخزنی را در شهر کرمانشاه که حدوداً ۶ الی ۷ هزار متر است را به استعلام گذاشت. با استعلامی که از متخصصین امر داربست بندی گرفته شد قیمت حدوداً ۱۲۰ تومان برآورده شد. در نهایت ایشان اعلام کرد که کار را به شخصی بنام نوری با قیمت هر متر ۱۰ تومان داده اند. نتیجه اینکه این آقای نوری نه پیمانکار است و نه از کارگری به پیمانکاری آمده بلکه یک کلاهبردار است.

هشدار ما به داربست بندهایی است که در این پروژه کار می کنند: این فرد با مبلغی که گرفته احتمالاً یا فراری خواهد شد و یا اینکه مرتب کارگرانش را بیرون خواهد کرد و در نتیجه با استخدام و اخراج مرتب کارگران کار را تمام خواهد کرد و ناگهان غیب خواهد شد و کارگران خواهند ماند و گرفتاری های بسیار. سندیکا به کارگران توصیه می کند اگر اخراج شدند تا پولشان را نگرفته اند از پروژه خارج نشوند. طی استعلامی که از چندین پیمانکار و داربست بند قدیمی گرفته شد، اعلام شد که این اشخاص فقط قیمت خراب کن هستند و کار را برای بقیه همکاران داربست بندشان مشکل می کنند که قطعا در چند روز آینده هم فریاد کارگرانشان در می آید که حق و حقوق ما را نمی دهند و تقاضای کمک خواهد کرد. اما حرف اصلی ما با درویشی و درویشی هاست که چنین افراد کلاهبرداری را به پروژه ها می آورند که شاید هم همدست خودشان باشند و گرنه مگر می شود قیمت یک کار این همه تفاوت داشته باشد.

۳- کمپین مونتاژکاران پیروز خواهد شد!

از ۵ مرداد ماه که کمپین افزایش حقوق مونتاژکاران آغاز شده است ۸ روز می گذرد و در این مدت کارفرمایان تلاش کردند با تفرقه افکنی میان اعتصابیون و یا با استخدام اعتصاب شکن این کمپین را به شکست بکشانند که تاکنون موفق

نبوده اند. ناگفته نماند که کارگرانی که بجای برادرانشان به سرکار رفته بودند با گفتگو دوباره به خانه بازگشتند. با توجه به گرانی هایی که همچنان در جامعه سرعت گرفته است دستمزدی که بتوان با آن زندگی کرد خواست قانونی هر کارگری است. در گفتگویی که سرپرست کارگاه پیمانکار فرجود با نماینده کارگران پروژه ای آقای گیلانی نژاد داشتند آقای موسوی ادعا کرده است که کسی را بلک لیست ننموده و می خواهد پروژه اش را به کار اندازد و از استخدام مونتازکار هم ابایی ندارد. به پیمانکاری فرجود می گوئیم به جای اینکه به بدهی های خود اضافه کنید و تاخیر پروژه بیشتر از این نشود با مونتازکارانتان کنار آمده تا ۳۰ میلیارد منفی بودنتان بیشتر نشود. کارگر آسایش می خواهد و شما هم کار، پس به جای ضرر دادن با افزایش حقوق کارگران موافقت کنید. دوستان کارگری هم که به جای برادران اعتصابی سرکار رفته اید بدانید که این اعتصاب برای افزایش حقوق همه مونتازکاران است و به سود شماست. اگر در حال حاضر هستند مونتازکارانی که با ۱۱ میلیون کار می کنند به دلیل این است که در سال گذشته پشت کمپین ۱۰/۲۰ را خالی کرده اند و امروز باید با این حقوق ناچیز کار کنند. به خانواده اتان فکر کنید و آنان را اینقدر فقیر نگه ندارید. سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران حامی کمپین مونتازکاران است و به همه کارفرمایان اعلام می کنیم حاضر به گفتگو برای پیدا کردن راه حلی مناسب هستیم. **متحد باشیم پیروزیم**

۴- پیمانکاری شیرانی نمونه یک خلافکار تمام عیار!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، پیمانکاری فیروز شیرانی (شیران ساویس) در پروژه دالاهو با شرایط ۸/۲۲ کار می کنند. در این پیمانکاری با وجود گذشت ۵ ماه از سال نه حقوق کارگران مشخص شده نه قراردادی بسته شده است. کیفیت غذاها و خوابگاه بسیار افتضاح است در این پیمانکاری نه خبری از عیدی هست و نه خبری از سنوات. این پیمانکاری به خلاف های گذشته خود دغلبازی جدیدی هم اضافه کرده و جدیدن مالیات و کل بیمه را از حساب کارگران کم می کند. در حالی که حقوقی که واریز می کند اصلاً قابل مقایسه با بقیه کارگران منطقه نبوده و بسیار کم است. در این ۵ ماهه جهت تعیین حقوق کارکنان امروز و فردا کرده

و هنوز مشخص نشده حقوق کارگران چقدر خواهد شد. این پیمانکار دغلكار هنوز حقوق اردیبهشت را به کارگران پرداخت نکرده است.

۵- نفرین دوزخیان بر شما!



به گزارش خیرنگار پیام سندیکا امروز ۶ مرداد ” عبدالرضا سمیران نژاد ” کارگر زحمتکش شلمچه ای شرکت سکاف بر اثر شدت گرما در محیطی با رطوبت بالا هنگام و صبحدم قبل از ورود به سایت، دم گیت ورودی پالایشگاه آبادان سخته کرده و فوت نمودند. شرکت سکاف اعلام نموده که غذای مراسم و مبلغ ۱۰ میلیون تومان کمک هزینه مراسم کمک خواهد کرد. باید به مدیریت آدمکش این شرکت یادآوری کرد که در قانون نوشته شده است وقتی کار در شرایط خطرناک جریان دارد می بایست توسط افسران ایمنی و مدیریت کار متوقف شده به شرکت بالادستی موقعیت اضطراری اعلام شود. نوش دارو بعد از مرگ سهراب به چه کار آید؟؟ البته مبلغی توسط همکاران جهت کمک به خانواده اش این مرحوم جمع آوری به خانواده تحویل خواهد شد.

کارگران پروژه ای سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ضمن تسلیت به همکاران و خانواده این مرحوم به کارگران یادآور می شویم در شرایط فعلی کار کردن مساوی با مرگ است و می بایست به بازرسی پالایشگاه اعلام شده و خواستار توقف کار با مزد باشید.

۶- اعتصاب مونتاژکاران همچنان ادامه دارد!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، با توجه به اعلام کمپین مونتاژکاران و خالی نمودن پروژه ها تا ۵ مرداد، تاکنون ۴۵۰ مونتاژکار در عسلویه به اعتصاب پیوسته و خواستار افزایش دستمزد هستند. با توجه به گزارش های اعلام شده به جز مونتاژکاران اکسیر صنعت در پتروشیمی جم (۲) و فاز ۱۴ و ۶ نفری که در پالایشگاه آبادان با حقوق های پایین در سرکار مانده اند بقیه کارگران در اعتصاب هستند. با توجه به مذاکراتی که بین اعتصابیون و مونتاژکاران پتروشیمی دنا و پتروشیمی آپادانا صورت گرفت و این کارگران با حقوق ۲۳ میلیونی سرکار هستند و از اعتصاب معاف شدند به این ترتیب فقط حدود ۳۵ نفر به اعتصاب نپیوسته که مذاکره با آنان هم در حال انجام است. در همین حین پیمانکاری بدنام فرجود برای آنکه با این اعتصاب مقابله کند ۳ نفر از همشهریان سرپرست کارگاهش آقای موسوی اعتصاب شکن و بدحساب و بدنام را به خدمت گرفت که با تذکرات به موقع اعتصابیون این افراد نیز به کمپین پیوسته به خانه های خود در شهر همیشه مبارز ایذه برگشتند.

جناب فرجود و سرپرستش خط و نشان کشیده اند که ۲۰ کارگر مونتاژکار اعتصابی شرکت را دیگر به سازه پاد راه نخواهند داد و بلک لیست شان خواهند کرد. به ویژه در تلاشند لیبرهای اعتصابیون را بلک لیست کنند تا در پتروشیمی بوشهر نتوانند کار کنند.

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران همانطوری که قبلن هم اعلام کرده است از هر اتفاق خوشی که برای دستمزدهای کارگران بیفتد حمایت کرده و از این کارگران نیز حمایت می کند. به آقای فرجود هم توصیه می کنیم خلافتکاری های سرپرستش را تایید نکند چون گرفتار سرنوشت پیمانکار صالحی در تلمبه خانه ۵ بندرعباس خواهد شد که از پروژه های نفت و گاز توسط سندیکا با اردنگی اخراج شد.

حق کارگران را بدهید. کارگر برادر کارگر

۷- اعتصاب کارگران شرکت جهانپارس!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، کارگران پیمانکاری محمد لیموچی و توانا در شرکت جهانپارس پتروشیمی بوشهر سایت یک امروز سه روز است که در حال اعتصاب هستند. متأسفانه این پیمانکاری حقوق اردیبهشت ماه کارگزارانش را پرداخت نکرده است و به کارگران می گوید حسابان خالی است. امروز کارگران بعد از خاموش کردن ژانراتور با پلیس درگیر و چند نفر دستگیر شده که بعد از چند ساعت آزاد و تسویه حساب و اخراج گردیدند. البته این افراد هم گفته شده هر زمان پول به دیگر کارگران دادیم تسویه حساب شما را هم خواهیم داد و دست خالی راهی خانه شدند. این در حالی است که دیگر پیمانکاران این شرکت همه ۶ روز پیش کلیه صورت وضعیت های خود را با شرکت تسویه کرده اند آنگاه چطور ممکن است به لیموچی پولی پرداخت نشده باشد؟ کارگرانی که در اعتصاب هستند این سه روز را کافرا جزو کارکرد حساب نکرده و شایعه است که حقوق خرداد و تیرماه را شاید این پیمانکار اصلن ندهد و از پروژه خارج شده دست کارگران به جایی بند نباشد چون شرکت جهانپارس به کارگران گفته من پول پیمانکار را دادم ولی لیموچی می گوید حقوق را باید از جهانپارس بگیرید و کسی هم پاسخگوی این پدرسوخته بازی نیست.

به اعتقاد سندیکای کارگران فلزکارمکانیک پیمانکاران بدحساب باید از پروژه ها اخراج بشوند!

۸- قربانی سودجویی کارفرمایان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز یکی از کارگرانی که در حادثه نشت گاز مصدوم و به بیمارستان برده شده بود درگذشت. این حادثه که در پالایشگاه سوم مجتمع گاز پارس جنوبی عسلویه اتفاق افتاده بود به دلیل سودجویی کارفرمایان و عدم ایمنی کافی منجر به مرگ محمد صادقی ۳۵ ساله اهل لامرد شغل ریگر جرتفیل بود، شد. این در حالی است که مدیر پالایشگاه سوم از آتش سوزی جزئی در این پالایشگاه خبر داده بود.



این اولین نفر و آخرین نفر هم نخواهد بود. کارگر باید یاد بگیرد که در جایی که امکانات ایمنی کافی وجود ندارد کار نکند. ما به خانواده و همکاران این کارگر تسلیم می‌گوییم و یادآور می‌شویم که مقصر اصلی بازرسان وزارت کار و مدیریت این پالایشگاه هستند ننگ بر آنان.

۹- کارگران را سرگردان نکنید، حقشان را بدهید!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، جمعی از ۱۵۰ کارگر سرگردان ماشین سازی اراک دیروز ساعت ۸ صبح با تجمع در مقابل درب حراست پتروشیمی بوشهر خواستار تعیین تکلیف شغل و دستمزدهای عقب افتاده شان شدند و باعث بستن درب پتروشیمی شدند. این کارگران که جواب درستی از شرکت سازه پاد دریافت نکرده بودند به داخل پتروشیمی رفته و ژنراتور برق را خاموش کردند که حراست پتروشیمی بوشهر وارد این قضیه شد. کارگران به آنان گفتند که ۵ ماه است که حقوق نگرفته اند و کسی هم جوابگو نیست. نماینده شرکت سازه پاد در مقابل رییس حراست پتروشیمی بوشهر گفت: «من حقوقشون رو میدم» بعد که رییس حراست رفت گفت: «برید از مهندس نکویی رییس حراست پتروشیمی بوشهر بگیرید» و کارگران را از درب بیرون کردند. متأسفانه شرکت هایی چون ماشین سازی اراک که عرضه کار در حوزه پیمانکاری را ندارد را معلوم نیست دست کدام مافیا اینان را به صنعت نفت آورده و از آن حمایت می کند تا اینگونه

گندکاری بیار بیاورد. با آنکه مسوولین شرکت نفت و مدیر منطقه در جلسه ۱۰ اردیبهشت که با حضور نماینده ۲۰۰۰ کارگر اعلام کرده بودند که شرکت های خلافتکار و بی عرضه را از منطقه ویژه بیرون و بلک لیست خواهد کرد اما هنوز اقدامی در این مورد انجام نداده اند. شرکت سازه پاد که باید به عنوان شرکت بالا سری گندکاری زیر مجموعه خود را جمع کند متاسفانه با عدم پاسخگویی و حتا نداشتن لیست نفرات ماشین سازی اراک جز سرگردان کردن کارگران کار دیگری نکرده اند.

۱۰- اعتصاب در پتروشیمی آدیش!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، امروز ۱۵۰ کارگر پتروشیمی آدیش، مخزن سازی ستاره نفت سپاهان به پیمانکاری رمضان کرمی بخاطر عقب افتادن حقوق و کمی دستمزد اعتصاب کردند. با این اعتصاب به احتمال زیاد کارگران را تسویه حساب خواهد کرد. این پیمانکار دغلباز هر قراردادی که با کارگران می بندد به آن پایبند نیست و هر مبلغی که خودش دوست دارد واریز می کند. این پیمانکار به جوشکار جی ۱۸ میلیون، به کمک جوشکار ۷ میلیون، به سنگ زن ۱۲ میلیون، به تک زن هم ۹ میلیون تومان دستمزد می دهد. آقای کرمی نه تنها کارگران را از کارهای غیرقانونی خود دلخور می کند بلکه برای کارگر ارزشی قائل نیست. اول از همه خوابگاههای که حتا در زمان برده داری از این خوابگاهها بهتر بوده است دوم پایین ترین حقوق را در تمام پروژه ها به کارگر تحمیل کرده است با بالاترین زمان کاری. ایشان مدعی است ۱۰/۲۰ را اجرا می کند که فقط ۱۰ روز مرخصی اش طبق کمپین است نه باقی موارد کاری. الان هم زده زیر این شرایط. به کارگران وعده آخر پرداخت حقوق عقب مانده را در آخر ماه داده است در حالی که قول اول تیرماه را داده بود.

ضمن خسته نباشید به کارگران زحمتکش، به آنان اعلام می کنیم سندیکای فلزکار از هر کمکی به شما دریغ نخواهد نکرده و پرونده این آدم خلافتکار را به مسوولین شرکت نفت ارایه خواهد کرد. از دوستان بیکار هم توقع داریم برای این پیمانکار دغلباز کار نکنند تا از پروژه ها رانده شود و درس عبرتی باشد برای سایر پیمانکاران. این پیمانکار تا اطلاع بعدی تحریم کارگری است.

۱۱- بی قانونی ها را متوقف کنیم!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شرکت استیم پروژه پتروشیمی اسلام آباد غرب همچنان به خلافکاری های خود ادامه می دهد. بعد از اعتصابات فروردین ماه مبنی بر احقاق حقوق و شرایط ۱۰/۲۰ افزایش حقوق و پرداخت به موقع دستمزدها، باتوجه به تغییرات مدیریتی (تغییر مدیر پروژه) مدیریت جدید پروژه آقای مهندس برزه کار و همچنین مدیر عامل فردین دیاری پور اعلام کردند که شرایط همان ۶/۲۴ است و ربطی به پروژه های جنوب ندارد. حقوقها نیز زمانی پرداخت می شود که کارفرمای اصلی صورت وضعیت را پرداخت کند. با توجه به نبود کار جدید و عدم پیشرفت کار، مبلغ ناچیزی از کارفرما آزاد خواهد شد که جوابگوی هزینه ها نمی باشد و بی تردید حقوق ها عقب خواهد افتاد. با این وضع شرکت از این موقعیت برای دریافت حقوق خود استفاده کرده و کارگران را مجبور می کند دست به اعتصاب دوباره برند تا مبلغ بیشتری از صورت وضعیت آزاد شود. شرکت برای هرچه ناراضی تر کردن کارگران، طبق گفته مدیر عامل: «شرایط کماکان همان ۶/۲۴ بوده و اگر کسی ناراضی است میتواند همین امروز اقدام به تسویه حساب کند» با توجه به نبود پروژه فعال در این شهرستان و همچنین وفور نیروی کاری بیکار در همه زمینه ها هیچ یک از نیروها نه جرات اعتصاب دارند و نه حتا جرات درخواست خواسته هایشان را، از جمله حقوق برج ۲ هنوز پرداخت نشده است و پرداخت حقوق ها منوط به امضای قراردادهای خلاف قانون می باشد (امضای اجباری قراردادها). نظر سندیکا این است که کارگران متحد شده و با اطلاع رسانی وسیع به دوستان بیکار برای قطع دست کارفرمای سودجو، همگی در روزی مناسب دست از کار کشیده و به خانه هایشان بروند. تا این زنجیره خلافکاری ها از بین برود. سندیکا از شما حمایت خواهد کرد.

۱۲- تماس با مسوولین شرکت سازه پاد!

با گزارشاتی که خبرنگاران پیام سندیکا از پیمانکاری های زیر مجموعه سازه پاد برآیمان ارسال کردند، امروز مازیار گیلانی نژاد نماینده ۲۰۰۰ کارگر پروژه ای طی تماسی با یکی از مسوولین شرکت سازه پاد در خصوص پیمانکاری

کیانپور و عقب افتادن دستمزدهای کارگرانش و همچنین شرکت ماشین سازی اراک گفتگو نمود. نتیجه این گفتگو چنین بود که ماشین سازی اراک به دلیل تأخیر در پروژه و مسایل کارگری از این شرکت خلع ید شده و تمامی تعهداتش را شرکت سازه پاد به عهده گرفته ست از جمله رفع نواقص ریپرهای مخازن تا تسویه با کارگران این شرکت. در مورد کیانپور و ماشین سازی اراک تا آخر این ماه تسویه های مالی داده خواهد شد. البته این مسوول سازه پاد اعلام می کرد که حقوق فروردین ماه کارگران کیانپور داده شده است و مابقی طلب همچنان باقی است. ایشان همچنین از تأخیر دریافت پول از شرکت های خارجی نیز گفت. آنچه نماینده کارگران پروژه ای گفت این بود که هر پیمانکاری می بایست اینقدر توانایی مالی داشته باشد که بتواند حداقل دستمزد کارگرانش را بدهد. ایشان اعلام می کرد در تمامی پتروشیمی بوشهر کارگران ۱۰/۲۰ شده و بیش از ۳۸ درصد به حقوق کارگران افزوده شده است و بیمه ها هم بر طبق مبلغ دریافتی کارگران به سازمان تامین اجتماعی پرداخت می شود.

چنانچه دوستان گزارشی خلاف آنچه در بالا نوشته شده است دارند به سندیکای فلزکارمکانیک اطلاع بدهند.

۱۳- ماشین سازی اراک وقاحت را به حد اعلا رسانده است!

به گزارش خیرنگار پیام سندیکا، کارگران ماشین سازی اراک واقع در پتروشیمی بوشهر حقوق فروردین خود را هنوز دریافت نکرده اند. با این وجود ۱۲۰ کارگر این شرکت به دستور مدیر پروژه آقای خیرآبادی و همراهی سرپرست کارگاه آقای رشیدی به خانه فرستاده شده اند.

وقاحت کم نظیری که فقط از اینگونه شرکت های دغلکار بر می آید و بس. به مهندس سلیمی مدیر پروژه و هیات مدیره نصیحت می کنیم آبروی خود را در گرو چنین حق خوری هایی قرار ندهند و دو روزه عمر را به بدنامی سپری نکنند.

البته سندیکا شکایت شما را به مسوولین اعلام خواهد کرد.

وقوع سیلاب در مجتمع مس سرچشمه

در دهه ی اول مرداد ماه، مجتمع مس سرچشمه شاهد وقوع سیلاب هایی بود که پس از قافلگیر کردن عوامل این مجتمع، در پایین دست و شهر رفسنجان خسارت های جبران ناپذیری را به همراه داشت. سیلاب عمدتاً از ضلع شمال غربی مجتمع، درگاه شهرک مس سرچشمه و مسیر دره گرگی شدت بیشتری داشت؛ هر ساله این مسیر دستخوش بارش های متعدد و جاری شدن سیلاب می گردید که با تمهیداتی نظیر لایروبی مسیل شرقی-غربی و احداث کانال های جمع آوری آب سطحی، اخیراً شکل بهتری به خود گرفته بود.

ظاهراً بارش های اخیر با وجود اینکه در مدت زمان های خیلی کوتاهی روی می دادند، اما شدت بیشتری داشتند و شاهد بودیم که در دروازه ی شهرک مس سرچشمه (دروازه ی جلیلی). بخشی از جاده ی دره گرگی و تلاقی با جاده ی سربارکش، کاملاً از کنترل خارج شده بود. فیلم هایی که نشان می دادند خوردرو های پارک شده در دروازه ی جلیلی حرکت کرده و به هم می خوردند، نشان می دادند که ظاهراً در طراحی همه ی این کانال های جمع آوری آب سطحی، محاسبات درستی انجام نشده بود. با این حال، به نسبت خسارت ها و وحشتی که در نواحی پایین دست این مجتمع ایجاد شده بود؛ سیستم جمع آوری آب سطحی در مجتمع مس سرچشمه، درست تر عمل کرده بود.

قابل توجه بود در لحظات جاری شدن سیلاب، عمدتاً مدیران ارشد این مجتمع در محل حضور داشتند و تمهیدات آنی مدنظرشان را اعمال می کردند و برعکس شهری چون رفسنجان، در اینجا مدیران صنعتی اثبات کردند که مدیران اجرایی و متخصص تر، همواره از مدیران تشریفاتی و نمایشی موفق ترند.

گزارشگر پیام سندیکا-مجتمع مس سرچشمه

اخبار کارگری شرکت واحد به نقل از کانال تلگرامی سندیکای واحد



ابراز نگرانی سندیکای کارگران شرکت واحد از وضعیت بشدت وخیم رضا شهابی بعد از پایان اعتصاب غذا

با وجود دیدار دیروز دوم مرداد خانواده آقای شهابی و اعلام پایان اعتصاب غذا رضا شهابی در چهل دومین روز اعتصاب غذا در دیدار با خانواده ، متأسفانه مشاهدات خانواده شهابی گویای وضعیت بشدت وخیم این فعال سندیکایی در بند میباشد بطوری که بیشتر وزنش را از دست داده و روی صورتش چیزی بجز پوست باقی نمانده است و چشمانش به ته سر چسبیده بود و رنگ و رویش کاملاً پریده گویا هیچ خونی زیر پوستش نمانده، بطوری که بدون کمک دیگری نمیتوانست حتی بروی پاها بایستد چه برسد به راه رفتن....

با وجود مشاهدات خانواده اش از شرایط بشدت وخیم این فعال سندیکایی در بند قطعا رضا شهابی نیاز به رسیدگی فوری پزشکی دارد و باید هرچه زودتر به بیمارستان خارج از زندان معرفی شود و حتی به گفته پزشک زندان شهابی در حال حاضر فقط باید از مایعات گرم استفاده کند لذا امکان خونریزی معده وجود دارد. اما متاسفانه مسئولین زندان و بازجو با وجود اینکه این شرایط را کاملا از نزدیک میبیند هیچ امکانات پزشکی در اختیار این کارگر زندانی نمیگذارند. سندیکای کارگران شرکت واحد تاکید دارد رضا شهابی باید فوراً به یکی از مراکز درمانی خارج از زندان اعزام گردد و عواقب هرگونه وخامت جسمانی برای شهابی و سعیدی متوجه قوه قضاییه و بازجو میباشد.

۲ مرداد ۱۴۰۱ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

حسن سعیدی دقایقی پیش به اعتصاب غذایش پایان داد.

حسن سعیدی از اعضای شناخته شده سندیکای کارگران شرکت واحد در سی و نهمین روز اعتصاب غذایش امروز نهم مرداد ماه به دلیل بسته شدن پرونده اش به اعتصاب غذایش پایان داد ، قرار شده آقای سعیدی فردا به بند عمومی زندان منتقل شود. سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن ابراز خرسندی از پایان یافتن اعتصاب غذای آقای سعیدی و شهابی ، خواستار آزادی بی قید و شرط این دو فعال سندیکایی و دیگر معلمان و فعالین کارگری در بند می باشد.

۹ مرداد ۱۴۰۱ سندیکای کارگران شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه

تلاش برای حاکم کردن مقررات کمپین ۱۰/۲۰ ادامه دارد!

همچنان که تلاش می شود دستمزدها افزایش یابد، می بایست کارگران پروژه ها به همراه کوشندگان کارگری مقررات کمپین ۱۰/۲۰ را هم در پروژه ها حاکم کنند. اگر اعتصابی رخ می دهد و دستاوردی را بدست می آوریم نباید بگذاریم این دستاورد نه تنها تضعیف شود بلکه سعی در بهتر کردن آن نیز باشیم. لیست دستمزدهای کمپین ۱۰/۲۰ که در سال ۱۴۰۰ از سوی سندیکا ارایه شد همچنان در دسترس عموم کارگران است و در اوایل امسال هم به کارگران گفته شد که ۳۸ درصد به مبالغ لیست دستمزدهای کمپین سال گذشته اضافه کرده قرارداد ببندند.

در همین راستا نماینده کارگران پروژه ای آقای گیلانی نژاد جهت حاکم کردن موضوع لیست بیمه طبق دستمزدهای دریافتی و ارایه فهرست پیمانکاران دغلكار که از این امر تخطی کرده اند سال گذشته با اداره كل آموزش شرکت نفت، حراست مهندسی توسعه نفت(متن)، بازرسی كل شرکت نفت و سازمان تامین اجتماعی نامه نگاری و دیدار داشته است تا بتوانیم پیمانکاران را مجبور کنیم لیست بیمه کارگران را با عنوان شغلی درست و مبلغ پرداختی به کارگر را به سازمان تامین اجتماعی ارایه کند و نه اینکه کارگر متخصص را با عنوان کارگر ساده به سازمان معرفی و بیمه اش را پرداخت کند که دزدی آشکاری هم از سازمان تامین اجتماعی است و هم خیانتی به زمان پیری کارگران. آقای گیلانی نژاد نامه ای به تاریخ ۱۴۰۱/۳/۹ به شماره ۸۱۵۴۲۶۴۶ به راست سازمان تامین اجتماعی نوشت و در آن اعلام کرد: «در سایت ۱ پتروشیمی بوشهر فقط ۵ هزار کارگر کار می کنند که ماهیانه حق بیمه آنان حداقل ۳۰ میلیارد تومان می تواند برای سازمان ورودی داشته باشد» که این ۳۰ میلیارد تومان به جیب پیمانکاران رفته و سر سازمان تامین اجتماعی کلاه می رود. در پاسخ به نامه گیلانی نژاد در تاریخ ۱۴۰۱/۳/۲۳ نامه ای از سوی سرپرست اداره كل وصول حق بیمه آقای محمد اسماعیل زاده برای آقای دیری مدیرکل تامین اجتماعی بوشهر زده شد تا بررسی و به این خلافتکاری پایان دهند و مقرر شد که نتیجه را به آقای گیلانی نژاد اعلام کنند که رونوشت این نامه برای ایشان از سوی سازمان تامین اجتماعی نیز فرستاده شد.

در تاریخ ۱۴۰۱/۵/۱۱، امروز نامه ای مجدد برای آقای محمد اسماعیل زاده سرپرست اداره کل وصول حق بیمه سازمان از سوی گیلانی نژاد به شماره ۸۳۸۰۲۷۱۰ ارسال گردید که در آن گفته شده پیمانکاران به تخلفات بیمه ای خود ادامه می دهند و خواستار پاسخ آقای اسماعیل زاده گردیدند. وقتی حق را می گیریم باید آن را چون مردمک چشم نگهبانی کنیم و برای ارتقا آن بکوشیم و پیگیر دستاوردها باشیم وگرنه اعتصاب هر روزه کاری از پیش نخواهد برد و بعد از چندی در به روی همان پاشنه خواهد چرخید.

باید متحد بود و مقاوم زنده باد کمپین ۱۰/۲۰ کارگر برادر کارگر

پیروزی ها و سکوت دولت!

دومین پیروزی سهامداران تامین اجتماعی با امضای تاییدیه کمیسیون تلفیق مجلس توسط ریاست مجلس با فشار بازنشستگان اتفاق افتاد. حال باید دید دولت آیا سکوت خود را در خصوص این مصوبه غیرقانونی اش می شکند و به قانون تمکین خواهد کرد یا نه؟ طی ماههای اخیر تلاش های زیادی صورت گرفت تا دولت بپذیرد در خصوص افزایش حقوق بازنشستگان غیرقانونی عمل کرده است. پای تخته رفتن وزیر کار اخراجی برای ماست مالی کردن مصوبه غیرقانونی دولت نتیجه بخش نبود و با فشار بازنشستگان وزیر کاری که مدعی بود در سال ۱ میلیون شغل ایجاد خواهد کرد خود نیز به خیل بیکاران پیوست. (پیروزی اول) بعد از دو هفته بهانه آوردن رییس مجلس و شانه خالی کردن از وظایف خود بالاخره تاییدیه کمیسیون تلفیق مجلس با اعتراضات هر روزه در اهواز و هفته ای یکبار در دیگر شهرها، رییس مجلس وادار به امضا شد. اما این پایان کار نیست و هنوز به تایید دولت احتیاج دارد. دولتی که بی اعتنا به همه اعتراضات هنوز بر سر مصوبه غیرقانونی اش پافشاری می کند و وزیران و معاون اولش با زدن حرف های ضد و نقیض سردرگمی دولت را نمایان می

کنند. آنچه در این روند از زمان اعلام مصوبه غیرقانونی دولت مشهود است، اینکه نه رییس مجلس و نه رییس دولت و نه حتی قوه قضاییه تمایلی به بهبودی وضع معیشتی زحمتکشان نداشته و بر جراحی اقتصادی که دستش تا آرنج در جیب زحمتکشان فرو رفته و سفره هایشان را تهی تر کرده است، اصرار دارند.

دستگیری بیش از ۱۰۰۰۰ بازنشسته و پرونده سازی برای نزدیک ۵۰۰ نفر از زنان و مردان سپید موی و ارسال بیش از ۳۰۰۰ پیامک هشدار پیامی روشن به زحمتکشان است: «قانون من هستم و اختیار دارم در همه موارد بالاتر از قانون رفتار کنم» پاسخ زحمتکشان هم بسیار روشن است:

«تداوم اعتراضات میدانی، زیر فشار گذاشتن نمایندگان مجلس و به جلو هل دادن هیات مدیره های بی خاصیت کانون های بازنشستگی»

با اتحاد پیروزی سهامداران سازمان تامین اجتماعی نزدیک است.

نامه نگاری بازنشستگان رامهرمی!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، نامه نگاری بازنشستگان رامهرمی با نماینده شهرشان و پیگیری آن مدتی است انجام می شود. آخرین نامه این عزیزان بدین شرح است که به دفتر نماینده ارسال گردید:

به نام خدا

جناب آقای متینیان نماینده محترم مردم شریف رامهرمز و رامشیر در مجلس با سلام، مرقومه ارسالی شما و جوابیه معاون پارلمانی دولت رویت شد. ضمن عرض سپاس با توجه به رسیدگی شکایت بازنشستگان تامین اجتماعی در کمیسیون تلفیق مجلس و نهایتاً رد (ابطال) مصوبه غیرقانونی دولت که به سازمان تامین اجتماعی ابلاغ شده است. در حالی که جامعه منتظر نامه ریاست مجلس به

دولت هستند، اما دولت تاکنون همچنان به اقدام غیرقانونی خود اصرار دارد. لذا ما بازنشستگان تامین اجتماعی رامهرمز از شما به عنوان نماینده حوزه انتخابیه انتظار داریم نه تنها به قانون تمکین کرده و رای شورای عالی کار در خصوص ۳۸ درصد + ۵۵۰ هزار تومان برای سایر سطوح مستمری بگیران تامین اجتماعی را محترم شمرده و پیگیری نمایید بلکه نسبت به مصوبه غیرقانونی دولت در خصوص افزایش ۱۰ درصدی حقوق بازنشستگان اعتراض نموده و از جایگاه قوه مقننه به دفاع از قانون و محرومین بپردازید. با تشکر جمعی از بازنشسته های تامین اجتماعی رامهرمز. ۱۵/۴/۱۴۰۱»

این نامه با بیش از ۵۰ امضا به دفتر نماینده مجلس داده شد که متقاعد آن آقای متینیان در تاریخ ۲۱/۴/ نامه ای برای رییس مجلس نوشته و از ایشان خواسته است: «در خصوص رای شورای عالی کار جهت افزایش حقوق مستمری بگیران سازمان مذکور حضورتان ایفاد می گردد»

جنبش بازنشستگان برای احقاق حق خوداز همه شیوه های مطالباتی استفاده خواهد

سوال: من در یک کارگاه تولیدی کار می کنم، وقتی دستگاه حتی یک روز خراب و تولید تعطیل شود، کارگران حقوق یک روز را نمی گیرند. آیا قانونی است؟

◆ پاسخ: خیر قانونی نیست، به استناد ماده ۵۱ قانون کار، ساعت کار در این قانون مدت زمانی است که کارگر نیرو و وقت خود را به منظور انجام کار در اختیار کارفرما قرار می دهد. عدم وجود مواد اولیه یا خرابی دستگاه به کارفرما بر می گردد و ارتباطی به کارگر ندارد و کارفرما مکلف است که حقوق کارگر را بصورت قانونی پرداخت نماید.



سرمایه داری مالی و نقش آن در صنایع نفت و گاز!

با خصوصی کردن صنایع نفت و گاز و آمدن پیمانکاران خارجی و ایرانی ریز و درشت به این عرصه و همچنین بسته شدن توافقات نفتی با سرمایه گذاران خارجی ضرباتی به صنعت نفت می خورد که زیاد به چشم نمی آید. سرمایه گذار خارجی با دادن پول به مسوولین بستن قراردادهای، مواردی را در توافقات تحمیل می کنند که به ضرر کشور و صنعت نفت است. سرمایه گذاری که با دادن پول برای مدتی معین بهره های متفاوت در صنایع نفت از آن خود می کند. برگشت سرمایه می بایست در مدت معینی به سرمایه گذار برگردانده شود. اما به دلیل تاخیر هایی که در پروژه ها صورت می گیرد با گرفتن بهره های مرکب سودآوری سرمایه گذاری خود را بیشتر می کنند. مشاوران این شرکت های سرمایه گذاری و دلالان، به دلیل شناخت از جامعه می دانند که به دلایل مختلف هیچ پروژه ای سر وقت به اتمام نخواهد رسید.

بطور مثال در پتروشیمی بوشهر سرمایه گذار برای ساخت پتروشیمی در عرض ۳ سال سرمایه گذاری می کند. مبلغی پیش پرداخت می شود و قراردادی بسته می گردد که این پتروشیمی در طی ۳ سال ساخته و به تولید برسد و در عرض ۳ سال بعدی پول سرمایه گذار را بدهد. البته در طی این قرارداد، سرمایه گذار از پیمانکاران می خواهد که مصالح مورد نظر خود را نیز از این سرمایه گذار تهیه کنند که با واسطه هایی که در این میان

وجود دارند نه تنها قرارداد با این سرمایه گذاران به بدترین وجهی مخالف مصالح کشور بسته می شود بلکه مصالح و قطعاتی که می بایست در حد استاندارد های جهانی تهیه شود به لطف وجود دلایان با مصالح درجه ۲ خریداری و پتروشیمی ها شروع به ساخته شدن می کنند. در این میان با خصوصی سازی و آمدن پیمانکاران دندان گرد و ناشی که از سوی مافیا وطنی حمایت و برای این کار در نظر گرفته شده اند، شرکت های مادر در شرکت نفت نیز با آنان همان رفتاری را می کنند که سرمایه گذار اصلی خارجی با قراردادهایشان به مشاوره دلایان کرده است. در این میان شرکت نفت از پیمانکاران فقط کار می خواهد. پیمانکاران حمایت شده از سوی مافیا هم برای سود بیشتر دست به هر کاری می زنند. دستمزد کارگری جوشکاری که امروز باید ۴۵ میلیون باشد را با دادن ۲۰ میلیون و یا با آوردن جوشکاران درجه دو برای دادن حقوق کمتر، دزدی از غذایی که می بایست با کیفیت باشد با ماکارونی و تخم مرغ آب پز، ندادن حق بیمه همان ۲۰ میلیون تومان به تامین اجتماعی که ۷ میلیون تومان را از سازمان تامین اجتماعی دزدیده و کارگر را با لیست بیمه کارگر ساده ۲ میلیون تومانی رد می کند تا سازمان تامین اجتماعی ورشکست شده و به روزهای پیری کارگران خیانت کرده کارگر هم در زمان پیری با دریافتی نازل به گرسنگی کشیده شود. در آن سوی نیز سازمان تامین اجتماعی از درآمدهایش محروم شود و در تصمیم کلان گفته شود تامین اجتماعی درآمدی ندارد و باید خدماتش محدود شود تا نئولیبرالیسم دستوراتش اجرایی گردد. به جای تهیه خوابگاههایی که تمیز و در حد ۴ نفر باشد خوابگاههای کثیف پر از ساس و حشره و رختخواب هایی که مدتهاست شسته نشده است، سرویس های رفت آمد بدون کولر و یا مجبور کردن کارگر به ۴۵ دقیقه پیاده رفتن به سرکار، لحاظ نکردن ۱۵ روز کار ۱۵ روز استراحت که قانون شرکت نفت است با ۶ روز مرخصی و ۲۴ روز کار تا روح و روان و جسم کارگران فرسوده و انگیزه ای شود برای اعتصابات پی در پی و به عقب افتادن زمان تحویل پروژه.

در این میان پیمانکاران با دادن رشوه به بازرسین شرکت نفت و وزارت کار برای نادیده گرفتن ایمنی، لیست های بیمه، مصالح معیوب و درجه دوم و در یک کلام ظلم آشکار و زیرپا نهادن قانون به حیات خود در پروژه ها ادامه می دهند.

با این همه موارد گفته شده وقتی سیاست های دولت به ناگهان تورم از ۴۵ درصد به ۳۰۰ درصد می رسد و گرانی سفره های کارگران را خالی می کند وقت اعتصاب فرا می رسد. کارگران با آموزش های داده شده توسط سندیکای کارگری برای دستمزد و شرایط بهتر دست به اعتصاب می زنند. در این میان پیمانکاران نابکار با اخراج کارگران خوب خود که

در راس اعتصاب هستند و گماردن کارگران بیکار با سطح تخصص پایین به اعتراض کارگران پاسخ می‌گویند.

اما چه اتفاقی در حال افتادن است؟ تاخیر در روند پروژه‌ها، تاخیر در پرداخت صورت وضعیت‌ها. اینجاست که با تاخیر هر روزه پروژه هزینه ساخت پروژه‌ها گران تر شده و پیمانکاران حمایت شده توسط مافیا جریمه شده از سطح کیفیت کار می‌زنند تا برایشان به صرفه و برای جبران تاخیر از کارگران می‌خواهند به جای ۸ ساعت کار ۱۲ ساعت کار کنند. که بی تردید توان کیفی کارگر کم شده و نواقص بیشتر و دوباره کاری و تاخیر در پروژه صورت می‌گیرد. پیمانکاری که بدون توان مالی و فقط با رانت به پروژه آمده به تعهداتش در خصوص دستمزدها عمل نکرده و برای سودجویی مزد کارگر را با تاخیر چندماهه به کارگر می‌پردازد و همیشه کارگران زیر مجموعه اش دستمزد چند ماهشان در صندوق پیمانکار موجود است که پرداخت نمی‌کند و با آن به خرید خانه و اتومبیل‌های آنچنانی و دیگر پدرسوخته بازی‌ها می‌پردازد که با همراهی بازرسی وزارت کار و نفت و گوشه چشم موافقت مافیاست. که باز هم اعتصاب بر روی اعتصاب اتفاق می‌افتد.

سرمایه‌گذار خارجی که در قرارداد تمامی تمهیدات را چیده، وقتش است که با هر تاخیر سودها را سنگین تر کند. پروژه ۳۰۰۰ میلیارد دلاری با ۴/۵ تا ۶ هزار میلیارد تمام می‌شود. هزینه برای کشور و سود بیشتر برای سرمایه‌گذار مالی. از سویی بعد از چند سال تازه نواقص پنهان از جمله مصالح غیر استاندارد شروع به فرسوده شدن زود هنگام کرده و حوادث در پتروشیمی‌ها آغاز می‌گردد. جوانان متخصصی چون شهرام محمدی باید جان خود را بدهند تا منافع ملی و جان دوستانشان از خطر رهاشده شود. تا هم سرمایه‌گذار خارجی پول خوبی دوباره به جیب بزند و هم دلالان متخصص در بستن قراردادهای ننگین جیب‌هایشان را از دلارهای نفتی پر کنند.

این چرخه به همت پیمانکاران دغلکار، دلالان قراردادهای نفتی و سرمایه‌گذار خارجی ادامه می‌یابد تا هم ثروت کشور به یغما برود و هم نیروی انسانی متخصص از بین برود و یا افسرده شده از پروژه‌های نفت و گاز بیرون روند.

برنده این پروژه‌ها نه کارگران و نه منافع ملی است. برنده دلالان قراردادهای پیمانکاران دغلباز و مافیای خیمه زده به صنایع نفت است.



بی مسوولیتی حاکمان!

به گزارش خبرنگار پیام سندیکا، شب گذشته ۱۶ مرداد ساعت ۲ بامداد در روستای «با عنوان رودتلخ» از توابع شهرستان لیکک بهمنی استان کهگلویه و بویر احمد یک پسر چهارساله به علت عقرب گزیدگی و نبود پزشک و امکانات اولیه درمانی در محل روستا و حتا بخش مرکزی، با فاصله ۵۰ کیلومتری به شهرستان بهبهان رفته، اما کودک مظلوم در بیمارستان از دنیا رفت. درد آور برای هر انسان این است که دکتر طاهری رئیس مرکز درمانی شهرستان بهمنی که با اعتراض مردم روبرو شده عنوان می کند که: «حالا چه با مرگ طبیعی مرد!!!!!! مگه چی شده؟» بی ارزش شدن جان انسانها در سیستم موجود سرمایه داری کشورمان مسوولینی را پرورش داده است که به جای عذرخواهی و پذیرفتن خطای خود بی پروا شده و به خانواده دردمند چنین می گوید. نبود امکانات در خارج از مراکز استانها بویژه روستاهای جنوب فاجعه آمیز است. کارگران پروژه ای عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران این فاجعه دردناک را به خانواده این پسرک مظلوم تسلیت گفته برای بهبودی وضعیت بهداشت و درمان در این روستا اقدام خواهد کرد.

به دنبال نان!

حاج مرتضی همسایه‌ی دیوار به دیوار ماست. دیروز تو کوچه منو دید و صدام کرد. ایستادم. از دوچرخه پیاده شد و آمد تا رسید نزدیک من، دوچرخه را تکیه داد به دیوار و همین که چرخید سمت من، اول پیشونیم را بوسید و بعد باچهره‌ای ملتسم گفت: «یا بزنی تو گوشم یا حلالم کن».

حاجی بزرگ مسجد محله، کسی که همه از صدمتری‌ش دست به سینه، با سری خم شده، سلامش می‌کنند. محال بود این رفتار را داشته باشد و اینطوری حرف بزند آنهم با منی که به قول خودش، تارک الصلوه لامذهب هستم! - «حاجی من غلط بکنم بخوام چنین جسارتی کنم!»

- «بزنی که حق داری... نه فقط حالا، چهل ساله حق داری! چهل سال تو دیدی و من خر سرم تو آخور خودم بود!» - «حاجی نفرمایید...»

حرفم را برید و لحنی عصبانی گفت: «جنگ جهانیه که قحطی شده باشه؟! واله زمان جنگ با عراق هم اینطور نبود. همین الان به قصد خرید نان رفتم طرف نونوایی. بسته بود. ساعت ۱۲ ظهر و بسته بودن نونوایی!!!! رکاب زدم و رفتم محله‌ی دیگه، نونوایی اونجا هم بسته بود. تره بار فروش بغلی داشت، گوجه‌های لهیده رو جدا می‌کرد سلام کردم و پرسیدم: «نونوایی ها چرا تعطیلن؟» لبخندی زد و گفت: «از دنیا بی‌خبری مرد نون ساعت هشت صبح تمومه. آرد کم دارن. رفت تا غروب، اگر زود بررسی گیرت میاد» من خر باور نکردم، مته این چهل سال که تو گفتی و من یقه ات رو گرفتم که بچه‌ی منو گمراه نکن. رکاب زدم محله‌ی دیگه همین آش و همین کاسه. یه سال پیش که او مدن خونه تون رو بهم ریختن و گشتن و خودتو و کتابات رو بردن، من خیرشون کردم. منه الاغ، منی که همون سال اول انقلاب امام رو تو ماه دیدم و تو منکر شدی و زدم توی گوشت، من خر که وقتی تو کوچه برای آزادی خرمشهر شیرینی دادی گفتم ایشالا بریم کربلا و قدس رو بگیریم. تو خندیدی و گفتی: «حاجی تا

همینجاش بسه، ترسیدن، همه چی میدن، جنگ به نفع غربیاس، جنگ بدبختیه! جنگ قوت مون رو میگیره. زدم زیر سینی شیرینی و گفتم، خفه، این حرفا، حرفای ستون پنجمه، حرفهای دشمنه...» اشک تو چشماش حلقه زد: «گوش نکردم، پسر دومی رو فرستادم. فرستادم به کشتنش دادم» یک بار دیگر پیشانی‌ام را بوسید و زیر نگاه بهت زده‌ی من فرمون دوچرخه را گرفت و سمت خانه‌اش رفت. دیروز، ساعتها در حیرت بودم. حاجی دل مهربانی داشت اما مغزی منجمد. این باور سالهای سال من بود. شب موقع خواب یاد حرفهایی افتادم که تو سلول انفرادی یکی که یک شب کنارم بود و همان یک شب کلی چیز یادم داد: «هرکه را انداختن پیشات اطمینان نکن ممکنه تواب باشه و نفوذی..» بعد یادم داد هرکه پرسش داشت، خودش است، یک نفوذی! و بعد که بهش گفتم، حدس می‌زنم حاجی همسایه مون، معتمد مسجد، منو لو داده گفت: «تو مشکلات سخت نیست، زود میری بیرون. رفتی هیچی بهش نگو. واقعیتها چشمش رو باز می‌کنه!» امروز غروب رفتم سر قبر پسر دوم حاجی که تو جبهه‌ی فاو شهید شد. توفکر تمام جوانهایی بودم که به کشتن داده شده‌اند که دستی نشست رو شانهم، سرچرخاندم، حاجی بود. یک کتاب تو دست دیگرش داشت. بعد از سلام نشست بالای سر پسرش و گفت: «این کتاب رو تو انبار میون خرت و پرتای محمد پیدا کردم.» محمد پسر دومش سه سال است که رفته پناهنده آلمان شده، حاجی من رو مقصر می‌دانست و همین سبب شده بود اسمم را قاطی حرفهایی بدهد سپاه! نگاهش را به سنگ قبر انداخت و کتاب را باز کرد و به او گفت: اوادم برات کتابی رو بخونم که نمی‌داشتی محمد بخونه. کتابی که چهل سال پیش باید می‌داشتی تو هم بخونی. چشمم به جلد کتاب افتاد: برام خیلی آشنا بود، همونی که داده بودم پسرش محمد بخواند: **به دنبال نان.**



قربانی کودک همسری که سه بار طلاق گرفته و می‌خواهد در سن ۱۶ سالگی برای چهارمین بار ازدواج کند...

امروز یکشنبه ۱۹ تیرماه ۱۴۰۱؛ یک مادر که در سایه فقر و اعتیاد، دختر نوجوان خود را از سن ۱۲ سالگی بصورت مکرر به ازدواج مردان متعددی درآورده است، با مراجعه به پلیس در مشهد، خواستار بازداشت دخترش شد، او دلیل این درخواست را تردد دختر ۱۶ ساله اش به "مکان های فساد" عنوان کرد. هویت این دختر ۱۶ ساله نازنین عنوان شده است.

این مادر که سه بار دخترش را وادار به ازدواج با مردان کرده است، دلیل درخواست برای بازداشت دخترش را تردد به "اماکن فساد" و جلوگیری از ازدواج او برای بار چهارم عنوان کرد.

مادر نازنین گفت؛ "به خاطر شرایط اقتصادی مجبور به ترک شهرمان شدیم و به مشهد آمدم و پدر نازنین پس از اینکه نتوانست کار مناسبی پیدا کند به دست فروشی روی آورد و بعد از مدت زمانی به اعتیاد روی آورد. شرایط اقتصادی بد بود و من مجبور شدم دختر ۱۲ ساله ام را شوهر بدهم و از ادامه تحصیل باز بماند، گرچه در خانواده ما این یک امر معمول بوده است.

زندگی دخترم به دلیل اعتیاد همسرش سه ماه بیشتر دوام نیاورد و از او طلاق گرفت. شرایط بد مالی و اعتیاد همسر و تلاش من برای اداره و مخارج زندگی از توجهم به دخترم کم می‌کرد و طی یک عشق و علاقه خیابانی نازنین برای بار دوم ازدواج کرد که این ازدواج هم دوام نیاورد و مهر طلاق برای بار دوم در شناسنامه اش نقش بست.

او در ادامه گفت: "نازنین برای بار سوم به ازدواج یک مرد متأهل درآمد که بعد از خبر دار شدن زن اول و تحت فشار قرار دادن دخترم او برای بار سوم هم از همسرش جدا شد و الان نازنین در شانزدهمین سال از عمرش پس از آشنایی با یک پسر که در رفت و آمد مکان‌های فساد در شهر است می‌خواهد با او ازدواج کند. او حاضر نیست شیوه صحیح زندگی را در پیش بگیرد و از همه مهم‌تر می‌ترسم دختر هفت ساله ام را نیز با خودش همراه کند با وجود این قصد دارم او را از این منجلاب بیرون بکشم ولی نمی‌خواهم زندانی شود".

در سطح جهانی، کودک همسری مصداق بارز نقض حقوق زنان و نمونه‌ای از خشونت جنسیتی است. بر اساس مفاد پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، کودک به کسی اطلاق می‌گردد که سن او کمتر از ۱۸ سال باشد. امروزه به غیر از قوانین ارتجاعی و غیرانسانی دولتهایی که به این امر رنگ قانونی می‌دهند، رسومات قومی و قبیله‌ای، آسیب‌های اجتماعی خانواده از جمله فقر، محرومیت از تحصیل و اعتیاد در راستای کاهش بار اقتصادی و تأمین هزینه‌های ناشی از اعتیاد خانواده از عوامل ازدواج زودرس کودکان محسوب می‌شود.

آسیب‌های جسمی و روانی ناشی از ازدواج در دوران کودکی، ضربات جبران‌ناپذیری را بر زندگی کودکان وارد می‌کند. بارداری‌های زیر ۱۸ سال، مرگ و میر مادران، افسردگی، اقدام به خودکشی، طلاق، بازماندن از تحصیل و پایداری چرخه فقر فرهنگی و اقتصادی از جمله این آسیب‌ها است.

مرا که زایید

مادرم

زنهای همسایه

خدای احد و واحد

نه، نمی‌دانم مرا که زایید!

تنها وقتی به دنیا آمدم که چشمهای سیاه تو را

گیسوان پریشان تو را

و لبهای خندان را دیدم

من را تو به دنیا آوردی...

نزار قبانی / برگردان: بابک شاکر



به خاطر مردم، به خاطر محیط زیست و زندگی آینده بیاییم وسایل خریدمان را به جای پلاستیک و نایلون در زنبیل بریزیم و از زنبیل استفاده کنیم.

زبان پارسی را پاس بداریم و آن را با تکرار هر روزه زنده نگهداریم!

در پاکستان نام های خیابان‌ها و محلات اغلب فارسی و صورت اصیل کلمات قدیم است. خیابان های بزرگ دو طرفه را شاهراه می‌نامند، همان که ما امروز «اتوبان» می‌گوییم!

بنده برای نمونه و محض تفریح دوستان، چند جمله و عبارت فارسی را که در آنجاها به کار می‌برند و واقعا برای ما تازگی دارد در اینجا ذکر میکنم که ببینید زبان فارسی در زبان اردو چه موقعیتی دارد.

نخستین چیزی که در سر بعضی کوچه‌ها می‌بینید تابلوهای رانندگی است. در ایران اداره‌ی راهنمایی و رانندگی بر سر کوچه‌ای که نباید از آن اتومبیل بگذرد می‌نویسد: «عبور ممنوع» و این هر دو کلمه عربی است، اما در پاکستان گمان می‌کنید تابلو چه باشد؟ «راه بند»!

تا کسی که مرا به قونسلگری ایران در کراچی میبرد کمی از قونسلگری گذشت، خواست به عقب برگردد، یکی از پشت سر به او فرمان می‌داد، در چنین مواقعی ما می‌گوییم: عقب، عقب، عقب، خوب! اما آن پاکستانی می‌گفت: واپس، واپس، بس! و این حرفها در خیابانی زده شد که به «شاهراه ایران» موسوم است.

این مغازه‌هایی را که ما قنادی می‌گوییم (و معلوم نیست چگونه کلمه‌ی قند صیغه‌ی مبالغه و صفت شغلی قناد برایش پیدا شده و بعد محل آن را قنادی گفته اند؟) آری این دکانها را در آنجا «شیرین‌کده» نامند.

آنچه ما هنگام مسافرت «اسباب و اثاثیه» می‌خوانیم، در آنجا «سامان» گویند. سلام البته در هر دو کشور سلام است. اما وقتی کسی به ما لطف می‌کند و چیزی می‌دهد یا محبتی ابراز می‌دارد، ما اگر خودمانی باشیم می‌گوییم: ممنونم، متشکرم، اگر فرنگی مآب باشیم می‌گوییم «مرسی» اما در آنجا کوچک و بزرگ، همه در چنین موردی می‌گویند: «مهربانی»! آنچه ما شلوار می‌گوییم در آنجا «پاجامه» خوانده می‌شود. قطار سریع‌السیر را در آنجا «تیز خرام» می‌خوانند! جالبترین اصطلاح را در آنجا من برای مادر زن دیدم، آنها این موجودی را که ما مترادف با دیو و غول آورده‌ایم «خوش دامن» گفته‌اند. واقعا چقدر دلپذیر و زیباست.

◆ از پاریز تا پاریس _ محمدابراهیم باستانی پاریزی / چاپ ششم، ۱۳۷۰ / صص

تلخ و شیرین های کازیم عاشقی

در اتوبوس

دیروز ساعت ۶ عصر از تبریز به عجبشیر می آمدم. بخاطر هوای سرد و بارش برف و باران روحیه مردم خیلی خراب بود. همه از موقعیتی که بوجود آمده ناراحتند. اگر فرمی پر کنند که چه کسی دوست دارد بمیرد اکثر مردم حاضر می شوند. در ماشین هرکس با بغل دستی خود صحبت می کرد. یکی می گفت کار امریکاست این بلاها بسرمان می آید، دیگری می گفت: وقتی این دبیوت ترامپ روی کار آمده دنیا را به مشکل انداخته. رفیقش هم می گفت: نشنیدی می گویند الهزار ائتمه گرک اوچ زاتیدن /گوی گوز و اوز قیرمیزی توک ساریدن. در روبروی من دو نفر نشسته بودند. یکی می گفت: می دانی چرا این همه بلا بسر ملت می آید اولان همه دروغگو شده اند. مخصوصن مسئولین. همه دزدند. مخصوصان بالایی ها. زمانی که عبادت پولی شد. زمانی که ورزش سیاسی شد. فاصله طبقاتی این حد شد، حقوق یکی دویست برابر کارگر شد همه چیزی پولی شد. زمانی که ظلم و زورگویی از حد بیشتر شد، زمانی که روزبروز فقر زیادتر شد، در حکومت باید دروغ گفت. اما در دین هرگز. دروغگو در دین دشمن خداست. زمانی که دروغ و عبادت و سیاست و ... قاطی هم شود. از این بهتر نمی تواند باشد. خدا هم رحمتش را برمی دارد. در بهار این وضعیت بوجود می آید من در چله اینطوری سردم نشده بود. تا زمانی که مردم آگاه نباشند. مطالعه نکنند. ندانند چی به چیه. از این هم بدتر خواهد شد. هله هاراسیدی(حالا کجاش رسیده)

نفر بغلی نشسته بود. با صدای بلند حرف می زد. می گفت مصلحت اینطوری هست. خدا خودش می داند چه کند. بکارهای او نمی شه دخالت کرد. قبلن هم می گفت کار ترامپ است من گوش می کردم. اما بویی می آمد که غیر قابل

تحمل بود. انگیم کیلیدشیری. آخر یک نفر رفت به راننده چیزی گفت. شاگردش آمد عقب به اینور و آنور نگاه کرد. دیدیم همان آقای که می گفت مصلحت خدا و و ترامپ و کفشهایش را در آورده. با صدای بلند گفت: کیشی به سن آدام دنیلسن (مرد مگر آدم نیستی) اینجا را موستاراخ: کرده ای.

وقتی مسافری متوجه شدند که بوی از کجا می آمد. صدایشان بلند شد. هر کس چیزی می گفت. بعضی ها بلند می گفتند. بعضی ها یواشکی. در جواب همه بلند شد گفت: «هر کس دوست نداره با سواری برود، اینجا عمومی هست. هر بویی هر جور آدمی می تواند باشد» منم گفتم: «باغ وحشی است یا کشتی نوح بلانسبت آغایان» به من گفت بتو مربوط نیست. شوفر بیلر من بیلیم (شوفر می داند و من) خلاصه هرکسی حرفی می زد چند تا جواب می داد.

ایکاش مثل فشار سنج دستگاهی بود مرام، درک، انسانیت، شعور، شخصیت انسانها را اندازه می گرفت. ماشین به بیناب می رفت. من پیاده شدم. مسافری می خواستند. به پلیس شکایت کنند.



دستشویی خرابه

در کشور ما مخصوصان در گذشته با ارزشترین شغل دکتر (پزشک) بود اما در این چند دهه کسانی مدرک پزشکی گرفتند ارزش پزشکی را کم رنگ کردند.

پیچاق پولو و (پول چاقو)... از آن بدتر منشی هایشان چه برخورداری با مریض ها می کنند.

دکتر دهقان از چند بیمارستان بیشتر برای شهرمان خدمت می کنند ما هر مشکلی داشته باشیم پیش ایشان می رویم. در تبریز بعضی دکترها تاجران بزرگی هستند ۴ ماه نوبت می دهند مریض از شهرستان ها و روستاها صبح با چه مشکلاتی وارد مطب شان که می شوند. گوش منشی سنگین است وقتی مریضی با خجالت می پرسد: «شرمنده ببخشید کجا دست به آب بزنم»

می فرماید: «دستشویی خراب است»

-شرمنده این نزدیکی ها نیست -نمی دانم از یکی دیگه بپرس

آقا دکتر هر روز ۲۰۰ میلیون درآمد دارند چرا نمی توانند دستشویی را درست کنند. یکی خیلی ناراحت شد با صدای بلند گفت: «دستشویی خرابه تو و دکتر پوشک بسته اید؟»

درود بر دکترهای با مرام، وقتی مریض با تلفن سوالی می کند نسخه می نویسد بقول دکتر مبین: «در طبابت بمن مربوط نیست، نداریم»

لعنت به سوداگرانی که در لباس پزشکی به فرهنگ پزشکی ضربه می زنند

گر طبیبان بیایی بسر بالینم

بدو عالم ندهم لذت بیماری را

کازیم عاشقی

درباره تلسکوپ جیمز وب چه می‌دانیم؟

تصاویر خارق العاده از کیهان چگونه به دست آمدند؟

نخستین تصاویر تلسکوپ جیمز وب روز گذشته منتشر شد و بخش کوچکی از عظمت کیهان را نشان داد. اما این تلسکوپ چه قابلیت‌هایی دارد که توانسته تصاویری تا این حد خارق العاده ثبت کند؟ برای اینکه نکاتی درباره تلسکوپ جیمز وب بدانید، این گزارش را بخوانید.

لیلا فرهادی: ناسا در روزهای گذشته تصاویر خارق العاده‌ای از کیهان را که توسط تلسکوپ جیمز وب ارسال شده منتشر کرده است. این تصاویر در واقع اولین عکس‌های کاملاً رنگی تلسکوپ جیمز وب هستند که گفته می‌شود دقیق‌ترین عکس از جهان و کهکشان‌هاست. رویداد ۲۴ به چند سوال مهم درباره این تصاویر پاسخ داده است.

تلسکوپ جیمز وب چطور عکس می‌گیرد؟

تلسکوپ فضایی جیمز وب با هزینه ۱۰ میلیارد دلار ساخته شد و ۲۵ دسامبر سال گذشته به فضا پرتاب شد. این تلسکوپ نتیجه ۲۵ سال تلاش هزاران دانشمند، مهندس و مجری از سراسر جهان در شرکت‌های فضایی، مراکز تحقیقاتی و دانشگاه است. جیمز وب برای جمع‌آوری نور در طیف‌های قرمز تا مادون قرمز میانی طراحی شده و این طول موج‌ها در واقع در جو زمین مسدود می‌شوند. وب با استفاده از یک آینه غول پیکر ۶.۵ متری و سپر خورشیدی چندلایه که مانع تابش مادون قرمز ساطع شده از خورشید، زمین و ماه می‌شود، می‌تواند تصاویری را با وضوحی که مشاهده می‌کنید تولید کند. این تصاویر در نوع خود منحصر به فرد است و تا کنون هیچ تلسکوپی در جهان موفق به برداشتن تصاویر مشابه نشده است.

قابل توجه آنهایی که می‌خواهند به زور مردم را به بهشت بفرستند!

سال ۱۳۵۶ شمسی است. بازی‌های فوتبال مقدماتی جام ملت‌های آسیا. کاتماندو پایتخت کشور فقیر نپال. تیم فوتبال ایران با تیم میزبان در حال بازی است. در نیمه دوم، در حالی که بازیکنان ایران بازی را از حریف، تا اینجا کار، برده‌اند، مرتضی کرمانی مقدم بازیکن ستاره مهاجم تیم ملی در زمین خوش می‌درخشد و نیمکت نشینان بازی برجسته او را تشویق می‌کنند.

ناگهان مرحوم پرویز دهداری مدیر فنی تیم ملی به رضا وطن‌خواه سرمربی تیم می‌گوید مرتضی را از زمین بیرون بکش! وطن‌خواه به دهداری می‌گوید پرویزخان! ما هر سه تعویض‌مان را انجام داده‌ایم. نمی‌توانیم دیگر تعویض کنیم. مرتضی هم که فوق‌العاده ظاهر شده است. پرویزخان اما می‌گوید می‌دانم که نمی‌توانیم تعویض کنیم، گفتیم از زمین بیرون بیار. ده نفره بازی می‌کنیم!

مرتضی در میان بهت خودش و ناباوری بازیکنان حریف و تماشاچیان، از زمین بیرون می‌آید بدون آنکه کسی بتواند جانشینش شود.

بعد از بازی، وطن‌خواه مرتضی کرمانی مقدم را می‌خواهد و می‌گوید پرویزخان با شما کار دارد. به اتاقتش برو. پرویز دهداری با او آرام آرام شروع به سخن می‌کند. از او و توانایی‌اش در فوتبال تعریف می‌کند و او را تشویق و تحسین می‌کند. بعد از این تعریف‌ها، مرتضی بیشتر تعجب می‌کند. از او می‌پرسد: خیلی عذر می‌خواهم پرویزخان. اگر این طور است که می‌فرمائید پس چرا وسط بازی مرا کشیدید بیرون. من که حتی کارت زرد هم نداشتم. ...

دهداری نگاهی عمیق به مرتضی می‌کند. مرتضی احساس می‌کند نگاه‌های پرویزخان از او گذر کرد و تا دوردست‌ها، آنسوی دیوار اتاق، امتداد یافت...

پرویزخان نفس عمیقی می‌کشد و می‌گوید: تو آن بازیکن حریف را دریبل یکسره و دو سره زدی و بعد توپ را از میان پاهایش عبور دادی و دوباره توپ را گرفتی و منتظر ماندی تا دوباره تقلا کند و دوباره دریبلش کنی؟ فکر نکردی که آن بازیکن هم، مثل تو، بازیکن تیم ملی یک سرزمین است. ملتی منتظر دیدن درخشش و شایستگی او هستند. از آن گذشته، او پدر دارد، مادر دارد، احتمالاً زن دارد، بچه دارد، خویشاوند دارد، آنها دارند بازی را می‌بینند، منتظرند ببینند فرزندشان، همسرشان یا پدرشان در مصاف با حریف چه می‌کند. تو او را نزد خانواده‌اش، بچه‌محل‌هایش، دوستانش و ملتش تحقیر کردی، خوار و خفیف کردی. مرتضی جان! ما قبل از اینکه فوتبالیست باشیم، انسانیم. چه کسی به ما حق داده است انسان دیگری را کوچک کنیم، حقیر کنیم، خجالت‌زده کنیم. آن هم در برابر میلیون‌ها جفت چشم...؟! پس انسانیت چه می‌شود؟ اخلاق چه می‌شود؟ جوانمردی چه می‌شود؟ فتوت چه می‌شود؟... پرویزخان سخن می‌گفت و مرتضی اشک می‌ریخت.....

جامعه شناسی

نهادهای حکومتی سال‌های سال است که برای خود جایگاه ولایت نسبت به مردم قائل هستند، در حالی که این نهادها باید وکیل مردم باشند، اگر این نقش به نقش تصمیم‌گیری برای مردم تبدیل‌شود و نهاد تصمیم‌گیرنده به جای متقاعدکردن مردم و احترام به حریم شخصی آن‌ها بخواهد اعمال زورکند، مردم در جای دیگری مانند رانندگی تخلیه خشم می‌کنند. بنابراین، شاید بتوان گفت اولین قدم در راه ایجاد جامعه‌ای به هنجار آن است که نهادهای قدرتی که مسئولیت اداره جامعه بر عهده آن‌ها گذاشته‌شده، از «حدود حداقلی» مرزهای قانونی خود فراتر نروند و بیش از حدی که قانون برای آن‌ها تعیین کرده، از ابزار زور استفاده نکنند. این ملت که از منظر تحلیل رفتار متقابل همچون کودکانی هستند که در نظام کلان ما برنامه‌ای برای بالغ شدنشان پیش‌بینی نشده بنابراین یا مطیع محض هستند یا عصیان‌گر، همین افراد هم وقتی قرار باشد در مسند قدرت قرار گیرند این چرخه معیوب را باز تولید می‌کنند، یعنی در جامعه ما صاحبان قدرت نیز در وضعیت «بالغ» قرار ندارند.

یادداشتی درباره‌ی وضعیت بی‌شناسنامه‌ها

هویت فردی و اجتماعی در پی تعامل و ارتباط جمعی شکل می‌گیرد. خانواده و بعد مدرسه اولین گروه‌های اجتماعی‌اند که فرد در آن‌ها تمایز خودش با دیگران را پیدا می‌کند، هویت می‌یابد و می‌تواند هویتش را بسته به شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ارتقا دهد. افراد برای بهره‌مندی از امتیازهای اجتماعی و اقتصادی در ایران به اوراق هویتی نظیر شناسنامه نیازمندند. در ایران کسانی که شناسنامه نداشته باشند، از دریافت هرگونه امتیاز اجتماعی مانند خدمات درمانی یا امتیاز اقتصادی مثل دریافت یارانه محرومند. با ارائه‌ی کالابریک برای تهیه‌ی نان این افراد از خوردن نان هم محروم خواهند شد.

پیرمرد روی جدول کنار پیاده‌رو با کیسه‌های خریدش نشسته بود. دختری از کنارش آهسته رد شد. پیرمرد با صدای لرزانی خطابش کرد: «دختر جان، کمکم می‌کنی؟» دختر ایستاد و به طرف او برگشت. پیرمرد با چشمانی اشک‌آلود و لبخندی کج و محو آرام گفت: «گم شده‌ام. نمی‌دانم کجایم. نمی‌دانم کی‌ام.» دختر بهت‌زده نزدیک شد و گفت: «حالتان خوب است؟» پیرمرد پاسخ داد: «نمی‌دانم. یادم نیست. نمی‌دانم چه شد.» دختر دستش را گرفت، کیسه‌های خرید را زمین گذاشت و گفت: «حتی اسمتان را فراموش کرده‌اید؟ می‌خواهید برایتان آب بگیرم؟» پیرمرد جواب داد: «هیچ چیز نمی‌دانم.» بغضش ترکید و شانه‌هایش لرزید. دختر اجازه خواست تا جیب و کیف پولش را نگاه کند. گفت: «باید کارت شناسایی یا شماره‌ی تماسی هم‌راهمان باشد. موبایل دارید؟» همان لحظه صدای تلفن همراهش در آمد. پیرمرد تلفن را از جیبش بیرون آورد و جلوی دختر گرفت. دختر جواب داد. زنی آن طرف خط گفت: «هوشنگ کجایی؟ از ساعت هشت صبح رفتی هنوز برنگشتی؟ کجایی؟» دختر پاسخ داد: «حالتان خوب است، فقط راه را گم کرده‌اند.» زن گفت: «چهار ساعت است دنبالش می‌گردم. رفت صبحانه بخرد و برنگشت؛ بگوئید کجاست همین الان

می‌آیم دنبالش.» هوشنگ دو خیابان پایین‌تر از خانه‌اش گم شده بود. یکباره فراموش کرده بود کیست، کجاست و چرا در خیابان است.

اگر یک پزشک مغز و اعصاب روایت بالا را بشنود، ممکن است بگوید پیرمرد دچار آلزایمر شده؛ بیماری از دست رفتن حافظه؛ اما مگر می‌شود کسی خودش را فراموش کند؟ من کیستم؟ نامم چه بود؟ از کجا آمده‌ام؟ تصور هر فرد از خودش و دیگران و تشخیص تمایز بین «خود» و «دیگری» مسئله‌ای است که قرن‌ها فلسفه، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی را به خود درگیر کرده. سوال من کیستم، سوال انسان به‌خوداندیشنده است، اما این «من» که در ارتباط، شباهت و تفاوت با «ما» و «آن‌ها» توصیف می‌شود، حاصل شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و تجربه‌ی زیسته‌ی هر فرد است. هر «منی» در معرفی خودش از شناسه‌های مشترک و متضاد با دیگران و محیط پیرامونش استفاده می‌کند. این «من» یا به قول روان‌کاوانی چون فروید «خود» در کودکان شکل نیافته، در نوجوانان بحران‌زده و در بزرگسالان چیزی قوام‌یافته، اما سیال است.

۱۲ سال در یک شرکت کار کردم، اما سوابق بیمه‌ای من ۳ سال ارسال شده است، همکارانم به عنوان شاهد وجود دارند، آیا می‌توانم کاری بکنم؟

بخش حقوق سندیکای فلزکار پاسخ می‌گوید:

◆ طبق قانون کار، اثبات کارکرد در یک مجموعه برعهده کارگر است تا در مراجع رسیدگی ادارات کار منطقه، اشتغال مورد بررسی قرار گیرد. داشتن هرگونه سند مالی و پرداختی کارفرما به کارگر می‌تواند به دلایلی به کارکرد افراد و صدور رای ماده ۱۴۸ باشد و شاهدین و بازرسی از محل کار می‌تواند به صدور رای هیات به نفع کارگر کمک نماید، لذا ارائه دادخواست و پیگیری از طریق مراجع اداره کار متبوعه قطعاً بی نتیجه نخواهد بود.

صندوق بین‌المللی پول نابود کننده اقتصاد ملت‌ها

نتایج کار بسیار درخشان بود. برزیل که با زنجیر بدهی‌های هنگفت خود، برای مدتی طولانی به واشنگتن وابسته بود، از بستن قرارداد جدید با صندوق بین‌المللی پول امتناع ورزید و نیکاراگوئه از صندوق خارج شد. ونزوئلا از صندوق و بانک جهانی هر دو کنار کشید و حتی آرژانتین هم، این مسیر را در پیش گرفت. در نتیجه صندوق بین‌المللی پول که در دهه‌های هشتاد و نود بسیار پر قدرت بود، در آمریکای لاتین تضعیف شد. در سال ۱۳۸۴/۲۰۰۵ بدهی‌های آمریکای لاتین ۸۰ درصد مجموعه سبب بدهی صندوق را تشکیل می‌داد، اما در سال ۱۳۸۶/۲۰۰۷ کل قاره فقط یک درصد سبب بدهی صندوق را تشکیل می‌داد. این تغییرات تنها ظرف دو سال اتفاق افتاد. کرچنر رئیس‌جمهور آرژانتین گفت: «بعد از خلاصی از صندوق تازه داریم زندگی می‌کنیم و خوب هم زندگی می‌کنیم». این دگرگونی از آمریکای لاتین فراتر رفت. فقط طی سه سال، سبب وام جهانی صندوق بین‌المللی پول از ۸۱ میلیارد دلار به ۱/۸ میلیارد کاهش یافت که تقریباً تمام این مبلغ هم به ترکیه پرداخت شده بود.

با این همه نباید از یاد برد که مخالفت با سرمایه‌داری وحشی گاهی به اشکال ارتجاعی و فاشیستی بروز می‌کند. به عنوان مثال در ایالات متحده خشم برخاسته از تضعیف طبقه متوسط، به آسانی منحرف و به فراخوانی برای احداث دیوارهای مرزی تبدیل شد. نومحافظه کاران کوشیدند جنبشی را علیه «خارجی‌هایی که غیرقانونی در آمریکا زندگی می‌کنند و با دستمزد کمتر، مشاغل را از آمریکایی‌ها می‌ربایند» راه بیندازند. این انحراف، باعث شد که بزرگترین تظاهرات در اعتراض به حقوق مهاجران در تاریخ آمریکا، با شرکت بیش از یک میلیون نفر در سال ۱۳۸۵/۲۰۰۶ برگزار شود. در هلند احزاب دست راستی ضد مهاجرت، همه پرس‌رسی سال ۱۳۸۴/۲۰۰۵ درباره قانون اساسی اروپا را به همین نحو به گروگان گرفتند و آن را به رفراندومی تبدیل کردند که

کمتر علیه نظم شرکت محور، و بیشتر بر ضد طیف پیشه‌وران لهستانی معطوف بود که به اروپای غربی سرازیر و باعث کاهش دستمزدها شده بودند. در روسیه برای تخلیه خشم عموم، جز ناسیونالیسم و شبه فاشیسم گریزگاه دیگری باقی نگذاشتند. خشونت‌های قومی در روسیه سالانه نزدیک به سی درصد رشد داشت و بنابر گزارش، در سال ۱۳۸۵/۲۰۰۶ این افزایش تقریباً روزانه بوده است. در این کشور نزدیک به ۶۰ درصد مردم از شعار ارتجاعی روسیه برای روس‌ها، حمایت می‌کردند.

بررسی انتقادی فراز و فرود نولیبرالیسم و سلاح هولناک آن یعنی شوک درمانی سه گانه، به ویژه برای بهبودخواهان جامعه ما سخت ضرورت دارد زیرا تبلیغات جهنمی نخله فکری شیکاگو در ایران مبنی بر خصوصی‌سازی گسترده، کوچک کردن دولت و نابود کردن نظام تامین اجتماعی، آن چنان در افکار بخش گسترده‌ای از روشنفکران و حتا مردم عادی ریشه دوانده است، که این اصول را کاملن بدیهی و مسلم برای رشد و پیشرفت کشور تلقی می‌کنند و علیرغم صدمات وحشتناکی که اجرای این اصول در دهه‌های اخیر به اقتصاد و زندگی میلیون‌ها مردم وارد کرده است؛ همچنان این نظریه ورشکسته فریدمنی را در جامعه گسترش می‌دهند که گویا علت این یا آن بحران اجتماعی، عدم پابندی کامل و تمام عیار، نسبت به این اصول است.

نولیبرالیسم، اصول معین بی‌رحمانه‌ای دارد که خدشه‌ناپذیر است اما این اصول در کشورهای مختلف با توجه به درجه رشد، تناسب نیروهای جهانی و داخلی، حضور نیروها با جهان‌بینی‌های گوناگون، نقش ادیان و ... می‌تواند این شکل یا آن شکل را به‌خود بگیرد و اجرای آن با تقدم و تاخر همراه باشد. پیامدهای نولیبرالیسم نیز روشن است و حتمن با خصوصی‌سازی، نابودی محیط زیست، مقررات زدایی از رابطه کار و سرمایه، حذف خدمات اجتماعی و رفاهی توده‌های زحمتکش، استثمار هولناک زحمتکشان، خشونت عریان علیه مخالفان و شکنجه و کشتار مبارزان همراه است اما با توجه به شرایط، اشکال مختلفی

که به خود می‌گیرد و به صورت نرم و سخت، کودتا یا انقلاب مخملی ظاهر می‌شود. مبارزه علیه نولیبرالیسم، هنوز به معنای مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری نیست، اما گام مهمی در این راه است. در عین حال باید با این توهم هم مبارزه کرد که گویا می‌توان ضد امپریالیست بود و در عین حال در داخل کشور، در بلند مدت، از سیاست‌های نولیبرالیستی پیروی کرد. ترویج و تبلیغ مبارزه علیه سرمایه‌داری و برقراری نظام جامعه‌گرایی یا سوسیالیستی، وظیفه همه بهبودخواهان است. تا این مبارزه به سرانجام سوسیالیستی خود نرسد، بربریت همواره در کمین جامعه انسانی نشسته است.

سرچشمه: دکترین شوک، ظهور سرمایه‌داری فاجعه، نانومی کلاین، ترجمه مهرداد شهابی و میر محمود نبوی، کتاب آمه، ۱۳۸۹



پاپ منکر جهنم شد!

پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک های جهان در خطبه ای که در آن تعجب همگان را برانگیخت، اعلام کرد: «کلیسای کاتولیک دیگر به جهنم معتقد نیست، زیرا این موضوع با عشق خداوندی تعارض دارد و آدم و حوا و طوفان نوح و یا طبقات هفتگانه آسمان و... که در انجیل و تورات و بسیاری از کتب مقدس ادیان دیگر آمده داستانی بیش نیستند که علم امروزه بشر و تمام دانشمندان بزرگ دنیا با هزاران دلیل صددرد علمی آنها را قاطعانه مردود و دروغ می دانند» پاپ در آخرین خطابه خود تاکید کرد: «ما با تفکر و دعا فهم جدیدی از برخی عقاید به دست آوردیم. کلیسا دیگر به جهنم اعتقادی ندارد، زیرا اعتقاد به این موضوع، عشق الهی را زیر سوال می برد. همچنین خداوند قاضی نیست، بلکه دوستدار بشریت است.» وی در ادامه تصریح کرد: «خداوند قصد محکومیت کسی را ندارد، علاوه بر آن داستان آدم و حوا تنها یک اسطوره است و جهنم تنها کنایه ای از روح تنهاست» وی با بیان اینکه تمام ادیان در ذهن افرادی سرچشمه گرفته اند که به وجود خداوند ایمان دارند، تصریح کرد: «کلیسا، روحانیون، ادیان دیگر در گذشته در مورد اکثر مسائل با علوم و کشفیات جدید علمی شدید دشمنی و مخالفت می ورزند ولی امروز در کشورهای اروپائی و دیگر کشورهای پیشرفته هر جوان دبیرستانی و دانشگاهی می داند که آدم و حوا افسانه ای بیش نیست که علم زیست شناسی آن را مردود می داند و یا داستان نوح که علم زمین شناسی و نجوم که چگونگی پیدایش زمین و همه کاینات را تا چهارده میلیارد سال پیش (بیگ بنگ) به طور کامل کشف کرده اند داستانی کودکانه تلقی می کنند. ما و روحانیون دیگر ادیان هنوز هم می توانیم درصد زیادی از مردم جهان را در جهل و خرافات معتقد و متدین نگهداریم اما امروز به نقش خود به عنوان قاضی پایان داده و آغوش خود را به روی تمام علوم می گشائیم وقت آن رسیده است که تعصب را کنار بگذاریم و اعلام کنیم که حقیقت دین قابلیت تغییر و پیشرفت دارد، به طوری که حتا بی دینان و کافران نیز با دیدن محبت الهی،

وجود خدا را به رسمیت بشناسند. با اینکه انجیل کتاب زیبایی است، اما در آن کلمات و عباراتی وجود دارد که همگان را به تعصب و محاکمه دعوت می کند، در حالی که زمان آن رسیده است تا این بخش ها مورد بازبینی قرار گیرند!» وی در ادامه اظهار امیدواری کرد که: «در آینده یک زن به مقام پاپی برسد.»

گوشه کوچکی از نئولیبرالیسم، در واقعیت

بقاله داشت با ماشین حسابش حساب می کرد، که یه بابایی با سر و وضع کارگری و یه نصفه نون سنگگ توی دستش، اومد تو و با دست دیگه ش به طرفی اشاره کرد و به یکی از لهجه های لری چیزی ازش پرسید:

-عمو، ئی تُرْمُغا، یکی چنی؟ (عمو، این تخم مرغا دونه ای چند؟)

-تخم مرغ؟ دونه ای سه و نیم.

-خو چه خَوَرَه؟ مَر طِلانَه؟ (خب چه خیره؟ مگه طلا س؟)

بعد با چشمای هیرون و قیافه نا امید برگشت رفت طرف در، و در همون حال با خودش می گفت: سه هزار و پونصد تَمَن...خو یعنی موئن نخور دیه (سه هزار و پونصد تومن... خب یعنی میگن نخور دیگه)

و از در رفت بیرون. بقاله، هنوز داشت با ماشین حسابش ور می رفت.

نیاز یعقوبشاهی

به مناسبت اعتصاب اخیر کارگران راه آهن بریتانیا

"ثروتمندان هر روز ثروتمندتر می شوند و کارگران هر روز فقیرتر، ما دیگر هرگز این فقر را تحمل نخواهیم کرد." اینها بخشی از سخنان مایک لینچ رهبر اتحادیه کارگران راه آهن و حمل و نقل در بریتانیا در جریان اعتصاب خطاب به جمعی است که به این مناسبت جمع شده بودند. اهمیت این اعتراض شورانگیز به وضع موجود، در اعلام علنی آن رو به جامعه و شرکت متدانه ۴۰ تا ۵۰ هزار کارگر اعتصابی راه آهن در حمایت از آن است، آنهم در بریتانیا! یکی از ستون نویسه‌های گاردین به نام اندی بکت می نویسد: "در بریتانیا بیش از بسیاری از کشورهای دموکراتیک اقدام به اعتصاب، خطر کردن است. صاحب کار شما، دولت، بیشتر مردم و اغلب احزاب مخالف، علیه شما هستند یا در بهترین حالت، حمایت نمی کنند. از دست دادن درآمد شما بعید است با پرداخت اعتصاب جبران شود. دولت به همراه کارفرمایان می گویند: «قوانین اقتصاد مدرن را زیر پا می گذارید. امتناع از کار کردن، ایجاد مزاحمت برای مصرف کنندگان، اقدام جمعی به جای فردی، و درخواست پول بیشتر به طور آشکار. اگر شما چپ هستید، بارها و بارها به شما گفته می شود که اعتصاب شما از نظر سیاسی نتیجه معکوس دارد» نویسنده فراموش کرده است که به نقش اصلی دادگاهها در خالی کردن صندوق حمایت از اعتصاب کنندگان اشاره کند. این دولت تاچر و پلیس اسب سوار آن نبودند که معدنچیان را (۱۹۸۴-۱۹۸۵) شکست دادند، بلکه دادگاهها بودند که با بستن جریمه های پی در پی، صندوق حمایت از اعتصاب آنان را خالی کردند و کارگران را شکست دادند. در حال، نویسنده این مقاله با شروع اعتصاب کارگران راه آهن و دیگر اعتصابات کارگری در بریتانیا می پرسد، آیا این اعتصابات میتوانند این وضعیت را عوض کنند؟ اعتصاب کارگران راه آهن بریتانیا در شرایطی برگزار شد، که از جانب رسانه ها با عنوان اقدامات ضد کارگری روبرو شد، اما برد چندانی نداشت و نشان داد که اوضاع نسبت به سابق فرق کرده است. گرانی در حال اوج میاحتاج عمومی مردم و گسترش مداوم فقر بویژه در ۱۲ سال حاکمیت دولت محافظه کار نه تنها طبقه کارگر که لایه های پائینی طبقه متوسط را نیز در بر گرفته بطوریکه افکار عمومی را در تقابل با دولت محافظه کار قرار داد. ۷۵٪ از مردم بویژه جوانان زیر ۳۰ سال از اعتصاب کارگران راه آهن حمایت کردند. اما در مورد اعتصاب کارگران راه آهن بریتانیا، کارفرمای بخش خصوصی، "ایجاد رفرم و مدرنیزه کردن راه آهن" را بهانه کرده و تصمیم گرفته است که ۳۰۰۰ کارگر را از کار اخراج و تغییراتی را در شیفتهای کاری کارگران بوجود بیاورد که معنی عملی آن، مطابق معمول، در شرایط رکود اقتصادی فعلی، افزایش نیافتن دستمزدها که بیشتر از دو

سال از آن می گذرد، تشدید کار از بقیه کارگران شاغل و افزایش شیفتهای مورد نظر کارفرماست. مذاکرات مداوم با کارفرما نتیجه نداد، کارگران ناچار از اعلام اعتصاب شدند. خواست کارگران، افزایش ۷٪ اضافه دستمزد، دادن تضمین کارفرما مبنی بر خودداری از اخراج کارگران و کاهش سن بازنشستگی است. کارفرما با ۳٪ اضافه دستمزد موافقت کرده اما گفته که هیچ تضمینی در مورد اخراج کارگران نخواهند داد. دولت محافظه کار از دخالت در آن به این بهانه که این مساله مربوط به رابطه بین این کارگران با بخش خصوصی است، خودداری می کند، در حالیکه گراند شاپس وزیر کار، کارگران راه آهن را تهدید کرده است که اگر به اعتصاب خود پایان ندهند و یا آن را ادامه دهند، لایحه ای را به تصویب خواهد رساند که به کارفرماهای بخش خصوصی امکان می دهد که در چنین مواقعی از کارگران دیگر بخشهای خود برای مقابله با اعتصاب استفاده کنند! دولت محافظه کار و هم کارفرمای بخش خصوصی، علیرغم تحمل میلیاردها پوند ضرر، دست به یکی کرده اند تا با توافقی مطابق میل خود با کارگران راه آهن یا با شکست دادن آنان در شرایط رکود اقتصادی فعلی و افزایش اعتراضات عمومی به افزایش هر روزه قیمت مایحتاج عمومی مردم، از شروع اعتصاباتی که در راه است جلوگیری کنند. برای کارگران راه آهن هم پیروزی در این اعتصاب، نه با خط و نشانی که کارفرما می کشد، بلکه با تحمیل خواستههای خود کارگران به کارفرما، تاثیر دامنه داری نه تنها بر مبارزات آنان در آینده که مبارزات درحال گسترش دیگر کارگران و معلمان را نیز تقویت خواهد کرد. زن کارگری می گوید: «فقیرترین بخش مردم بریتانیا، کارگرانند» این به تنهایی گویای موقعیت اجتماعی کارگران در بریتانیا است. کارگر در بریتانیا ارزان تر از کارگران در تمام کشورهای اروپایی است. کارگرانی که در شرکت های مجازی کار می کنند حدود ۶ میلیون کارگردن که ۴ پوند در ساعت حقوق می گیرند، در حالی که حداقل دستمزد مصوب بالای ۸ پوند است! یکی از دلایلی که سرمایه داران تمایل کمتری برای سرمایه گذاری در خارج این کشور نشان میدهند، ارزان بودن کارگر در بریتانیا است. بعد از حاشیه ای شدن تدریجی ویروس کرونا با در نظر گرفتن وزنه سیاسی - اجتماعی طبقه کارگر در تحولات سیاسی آتی جهان، پیش بینی شروع اعتصابات و اعتراضات این طبقه و دیگر اقشار کم درآمد در تقابل با سیستم سرمایه داری در سراسر جهان چندان مشکل نبود. شکاف عمیق طبقاتی موجود که خود را از یکطرف در افزایش ثروت میلیاردهای اقلیتی انگل و از طرفی دیگر محروم کردن میلیاردها انسان از ابتدائی ترین امکانات زندگی در متن پیشرفت صنعتی و انفورماتیک و در عصر فراوانی فعلی نشان میدهد، تناقض رو به گسترش تولید کاپیتالیستی را با نیازهای انسان و برخورداری از زندگی شایسته انسان امروز را نیز هرروز برجسته تر می کند. اوضاع

کنونی جهان و روندهانی که تولید کاپیتالیستی در این دوره وارد آن شده، دهه متحولی در کشمکش طبقه کارگر و سرمایه داران در اکثر کشورهای سرمایه داری خواهد بود. پیشروی طبقه کارگر در این دوره به این بستگی دارد که این طبقه و رهبران و فعالینش چگونه در آن ظاهر خواهند شد. در دوره کرونا تمام اعتصابات اعلام شده را با این توجیه که شرایط کرونایی است و نباید دولت محافظه کار را تحت فشار قرار داد، خواباندند. در جریان اعتصاب اخیر کارگران راه آهن، رهبری حزب «لیبر» به اعضا دولت در سایه و نمایندگان خود در پارلمان تاکید کرده بود که نباید در نمایشات اعتصابی این کارگران شرکت کنند، ۳ نفر آن را رعیت نکردند، تهدید به اخراج شدند. اتحادیه کارگران بخش زمینی شرکت هواپیمایی بریتانیا (British Air line) که برای افزایش دستمزدها اعتصاب کرده بودند، خطاب به رهبری حزب «لیبر» گفتند که این حزب بجای اینکه از اعتصاب کارگران حمایت کند از آنان می خواهد به اعتصاب خود پایان دهند. مشخصه اعتراضات کارگری این دوره یکی نقش مستقیم خود کارگران از پائین برای دخالت موثر در اعتصابات و دیگری خواست افزایش دستمزدهاست که در صدر تمام خواستها و مطالبات همه اعتصابات و اعتراضات کارگری در تمام کشورهای سرمایه داری قرار دارد. بحث افزایش دستمزدها بویژه در شرایط گرانی شدید مایحتاج عمومی طبقه کارگر، از یک طرف بیانگر تلاش طبقه کارگر در تن ندادن به فقری که سیستم سرمایه داری به این طبقه تحمیل کرده اند و از طرفی حاکی از افزایش کشمکش طبقه کارگر و طبقه سرمایه دار بر سر سهم بری از محصول نهانی، کشمکشی که به وسعت جهان بطور شبانه روزی در جریان است. به این جهت بویژه در شرایط رکود یا بحران اقتصادی، با مقاومت شدید سیستم سرمایه داری روبرو می شود. این استدلال که افزایش دستمزدها باعث تورم بیشتر می شود، ترفند حاکمیت سرمایه داری است برای خودداری و امتناع از افزایش دستمزد کارگران. طبقه کارگر اگر بخواهد رکود و یا بحران اقتصادی سرمایه داری را بر طبقه سرمایه داری تحمیل نکند، باید آن را به بحران سیاسی و بی ثبات کردن حاکمیت تبدیل کند و باید خواست دستمزدها و دیگر خواستها و مطالبات رفاهی خود را نیز به آنان تحمیل کند. برای مثال، بریتانیا اکنون با رکورد اقتصادی روبروست. نارضایتی عمومی از افزایش فقر و گرانی هر روزه مایحتاج عمومی بسیار بالا است طوری که نخست وزیر را ناچار به قبول استعفا کرده و دولت آن را نیز در وضعیت بحرانی قرار داده است. بهره برداری کارگران از این وضعیت به نفع خود با افزایش فشار بردولت و سرمایه داران، بدون تردید کارگران را در تناسب قوای بهتری در مقابل آنان قرار خواهد داد. مثال دیگر سرمایه داری ایران است که ادعا می کند با افزایش دستمزدها تورم نیز افزایش خواهد یافت. این به هم پیوستگی نظرات از سودجویی بر می خیزد.

سه مرحله از تصمیم‌گیری و حل مسئله در زندگی

سه مرحله از تصمیم‌گیری و حل مسئله در زندگی ۱- طراحی ۲- عمل ۳- ارزیابی است. دو مرحله از این مراحل "تجربه‌های ذهنی" هستند در ذهن مسئله را مرور می‌کنیم، تجزیه و تحلیل می‌کنیم، می‌سنجیم و اندازه می‌گیریم و سپس طراحی می‌کنیم. به همان ترتیب نیز پس از "اقدام به عمل" درنگ می‌کنیم، می‌نگریم تحلیل می‌کنیم، جمع‌بندی می‌کنیم و به این نتیجه می‌رسیم که عملکرد ما چقدر کارآمد بوده است و کجا نیاز به تجدید نظر داریم. ولی اگر در میانه "طراحی و ارزیابی" "اقدامی" صورت نگیرد، حرکتی اتفاق نمی‌افتد ما فقط یک "بازی ذهنی" داشته‌ایم. گروهی از آدم‌ها بدون "طراحی" دست به عمل می‌زنند و بدون ارزیابی، اقدامات خود را ادامه می‌دهند! آن‌ها که بدون طراحی دست به عمل می‌زنند "رفتار تکانشی" دارند و معمولاً در زندگی شکست‌های متعدد را تجربه می‌کنند و سرمایه بسیاری را از دست می‌دهند. آن‌ها که بدون "ارزیابی" به رفتار خود ادامه می‌دهند سال‌ها بدون تغییر به یک روال و سبک زندگی ادامه می‌دهند بنابراین از زمان عقب می‌مانند با هستی ناهماهنگ هستند، منزوی و مطرود می‌شوند و رشد نمی‌کنند اما در این میان کسانی هستند که مرتب در حال طراحی و ارزیابی‌اند تجزیه و تحلیل‌های زیادی می‌کنند ولی "دست به عمل نمی‌زنند" یا آن‌قدر تنبلند که به مرور تجربه‌ها بسنده می‌کنند، یا آن‌قدر ترسو هستند که نگران تاثیر حرکت خودند. یا آن‌قدر حسابگرند که می‌خواهند صد در صد به درستی طرح خود اطمینان داشته باشند و بعد اقدام کنند. در هر صورت این افراد مخزنی از طرح‌ها و ایده‌ها هستند، دیگران را به خوبی نصیحت می‌کنند، شعار زیاد می‌دهند اما اهل عمل نیستند. ایده‌های آن‌ها ممکن است برای دیگران مفید باشد ولی خودشان از آن ایده‌ها نفعی نمی‌برند. این افراد سعی می‌کنند جای خالی عمل را هم با بازی‌های ذهنی پر کنند. بنابراین پرحرف، پر ادعا، ایرادگیر، عیب‌جو و بهانه‌گیر می‌شوند. از آن‌جا که خود عملی انجام نده‌اند که به ارزیابی آن بپردازند مشغول ارزیابی دیگران می‌شوند، دیگران را زیر ذره‌بین می‌گذارند و از آن‌ها ایراد می‌گیرند.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

🌀 بندبازی 🌀

شاید یکی از استعاره‌هایی که به‌خوبی زندگی عقلانی را به ذهن نزدیک می‌کند استعاره «بندبازی» است. به هر جنبه از زندگی انسان که نگاه‌کنیم همین کیفیت را در آن می‌بینیم. مثلاً این که چقدر برای تغییر دادن جهان بجنگیم و چقدر تسلیم و پذیرای جهان باشیم. در سبک زندگی «نرینه‌روانی» جنگاوری و سلحشوری تجویز شده و در سبک زندگی «مادینه‌روانی» انعطاف و تسلیم و سکوت توصیه می‌شود. پیدا کردن نقطه «بهینه» بین این دو همان چیزی است که به آن «ابراز وجود» می‌گوییم: مرز باریک بین «خشونت» و «انفعال» پیدا کردن این مرز باریک کار آسانی نیست.

باتوجه به سبک مبارزه «مهاتما گاندی» مبارزه بدون خشونت، درست است که گاندی از پیروان خود نخواست دست به اسلحه ببرند ولی اسلحه دیگری به‌دست آنان داد که شاهرگ کمپانی هندشرقی (استعمار انگلیس) را قطع کرد: «بایکوت»!

هندی‌ها طبق الگوی گاندی قرار شد نه از انگلیسی‌ها چیزی بخرند نه به آن‌ها چیزی بفروشند، نه برای آن‌ها کار کنند و نه با آنان صحبت‌کنند

قرن‌ها پیش از گاندی «شیخ خلیفه» پیشوای معنوی سربداران خراسان با حکم

«خراج دادن به مغولان حرام است»

کاری شبیه گاندی انجام داد. این شیوه مبارزه کار آسانی نیست که شبیه «نشستن و نظاره کردن» باشد. خود گاندی کت و شلواوری که پارچه انگلیسی داشت را از تن درآورد و با پارچه‌ای که خودش از پشم بز ریسیده بود تن‌پوشی ساخت که همه ما عکس او را با آن دیده‌ایم. شیر بز نوشیدن و پشم بز پوشیدن هیچ شباهتی به الگوی «عرفان‌زدگی» و «روشنفکر‌مآبی» نخبگان ما یا انفعال پرخاشگرانه توده جامعه ما در مقابل نهادهای قدرت نامشروع ندارد.

حکایت فوق‌العاده زیبا از کشور سوئد

یک شرکت بزرگ سوئدی قصد استخدام تنها یک نفر را داشت... بدین منظور آزمونی را برگزار کرد که تنها یک پرسش داشت، پرسش این بود: « شما در یک شب طوفانی سرد زمستانی، در حال رانندگی از خیابانی هستید، ناگهان در حال عبور کردن، به یک ایستگاه اتوبوس نزدیک می‌شوید. سه نفر داخل ایستگاه منتظر اتوبوس هستند؛ یک پیرزن که در حال مرگ است، یک پزشک که قبلاً جان شما را نجات داده و یک نفر که در رؤیاهایتان خیال ازدواج با او را دارید. شما می‌توانید تنها یکی از این سه نفر را برای سوار نمودن انتخاب کنید. کدامیک را انتخاب خواهید کرد ??? دلیل خود را بطور کامل شرح دهید»

قاعدتان، این آزمون نمی‌تواند نوعی تست شخصیت باشد، زیرا هر پاسخی دلیل خاص خودش را دارد. پیرزن در حال مرگ است، شما باید او را نجات دهید هرچند او خیلی پیر است و به هر حال خواهد مُرد. شما باید پزشک را سوار کنید زیرا او قبلاً جان شما را نجات داده و این فرصتی است که می‌توانید جبران کنید، اما شاید هم بتوانید بعداً جبران کنید. شما باید شخص مورد علاقه‌تان را سوار کنید زیرا اگر این فرصت را از دست بدهید ممکن است هرگز قادر نباشید مثل او را پیدا کنید.

از دویست نفری که در این آزمون شرکت کردند، تنها شخصی که استخدام شد دلیلی برای پاسخ خود نداد. او نوشته بود: « سوئیچ ماشین را به پزشک می‌دهم تا پیرزن را به بیمارستان برساند و خودم به همراه همسر رؤیاهایم زیر باران منتظر اتوبوس می‌مانیم»

* پاسخی زیبا و سرشار از متانتی که ارائه شد، گویای بهترین پاسخ است و مسلماً همه می‌پذیرند که پاسخ فوق، بهترین پاسخ است. اما هیچکس در ابتدا به این پاسخ فکر نمی‌کند چرا ???

* زیرا ما هرگز نمی‌خواهیم داشته‌ها و مزیت‌های خودمان را (ماشین) (قدرت) (موقعیت) از دست بدهیم... !!! ... *

* اگر قادر باشیم .. خودخواهی‌ها .. محدودیت‌ها و مزیت‌های خود را از خود دور کرده یا ببخشیم گاهی اوقات می‌توانیم چیزهای بهتری به دست بیاوریم .. !!! .. *

موفق و پیروز باشید... !!! ...



همه مبارزاتمان، جنگیدن هایمان، به خاک افتادن هایمان برای این است که از چشم کودکی قطره اشکی جاری نشود و همیشه لبخند بر لبانش باشد و هرگز طعم گرسنگی را نچشد.

ما می توانیم عادلانه ترین جامعه جهان را برپا کنیم...

فیدل کاسترو



یکی از کوچکترین **کودکان_کار** دستفروشی که توی مترو دیدم (زیر سه سال) آدامس و دستمال کاغذی می فروخت ،هنوز خیلی از کلمات رو نمی تونست درست تلفظ کنه اینقدر راه رفته بود که از خستگی همون وسط مترو نشست و شروع کرد به داد زدن «آقا خانوم دستمال کاغذی دارم...»!!



انتخابات که در راه است ناگهان صلح جهانی اعلام می شود!
و روباه ها وعده میدهند که عمر مرغ و خروس ها را طولانی میکنند!

جرج_البوت